



پایان جدال دو ماهه مجلس و حکومت؛

بودجه با چه تغییراتی تصویب شد؟



با رد پیش‌نویس‌های اول و دوم بودجه ملی سال مالی ۱۴۰۰، مجلس سرانجام تصمیم گرفت که سومین پیش‌نویس آن را تایید کند. از میان اعضای حاضر در جلسه رای‌گیری پیش‌نویس بودجه، تنها سه عضو مجلس به آن کارت سرخ نشان دادند. بدین ترتیب پس از دو ماه جنگال و پافشاری، اعضای مجلس توانستند دو هزار افغانی بر معاش کارمندان پایین‌رتبه دولتی و آموزگاران بیفزایند و برخی دیگر از موارد، از جمله برنامه دسترخوان ملی و خرج دسترخوان معینان و رییسان اداره‌ها را نیز از بودجه سال مالی حذف کنند. رییس مجلس نماینده‌گان از تصویب بودجه به عنوان «روز تاریخی» یاد کرد و گفت که اعضای مجلس توانسته‌اند پس از دو ماه مقاومت، «بخشی از خواسته‌های برحق مردم» را در سند بودجه بگنجانند. به گفته او، پافشاری مجلس گروگان‌گیری نبوده و جنبه سیاسی نیز نداشته است.

یک‌ساله‌گی کرونا در افغانستان؛

واکسیناسیون آغاز می‌شود

منازعه کشمیر و تأثیرات آن بالای افغانستان

سیاست راهبردی روسیه در قبال افغانستان؛

هم آغوشی با طالب، جنگ با داعش

نام افغانستان همواره تداعی‌کننده خاطره تلخ در سیاست خارجی روسیه است که در ادبیات سیاسی آن کشور، به عنوان «سندروم افغان» یاد می‌شود. اثرگذاری افغانستان بر امنیت، سیاست و اجتماع روسیه به رغم موجودیت فاصله جغرافیایی میان دو کشور، انکار ناپذیر است.



اتهام تصفیه قومی و برخورد سلیقه‌ای؛ در اداره ارگان‌های محلی چه می‌گذرد؟



شماری از کارمندان مستعفی یا برکنار شده اداره ارگان‌های محلی، از «برخورد سلیقه‌ای» و «تبعیض قومی» در این اداره شکایت دارند. آنان می‌گویند که شمیم‌خان کوتوازی، رییس اداره مستقل ارگان‌های محلی، پس از عهده‌دار شدن ریاست این اداره، با کارمندان «غیرپشتون» برخورد...

وزیر امور سرحدات و قبایل برای پیگرد عدلی و قضایی مولوی انصاری به دادستانی کل عریضه کرده است



داشته است.

مولوی انصاری، روز جمعه، اول حوت، در جریان خطبه نماز جمعه، حضور در نظام افغانستان را «گناه کبیره» خواند. افزون بر این، او عالمان دین که از حکومت حمایت می‌کنند را بدتر از «یهود و نصارا» عنوان کرد. انصاری در توضیح سخنانش گفته است که هدف او کسانی بوده است که از نظام حمایت می‌کنند.

در واکنش به این سخنان، حمدالله محب، مشاور امنیت ملی افغانستان، اظهارات مولوی انصاری را خلاف دیدگاه تمام علمای جهان خوانده و تأکید کرده است که اگر کسی مردم را علیه نظام تحریک کند، «بغاوت‌گر» است و احتمال دخیل بودن استخبارات منطقه‌ای در سخنان اخیر مولوی انصاری از سوی امنیت ملی بررسی می‌شود.

سید وحید قتالی، والی هرات نیز در واکنش تند به اظهارات مولوی انصاری، تأکید دارد که هرات جایی برای تولید داعش نیست و حتا اگر با بهای خوش تمام شود، اجازه نمی‌دهد کسی به دستور بیگانه، اندیشه‌های افراطی را ترویج دهد.

وزیر امور سرحدات و قبایل گفت که اظهارات مولوی انصاری دشمنی با نظام، مردم، معارف و به ویژه دشمنی با نیروهای امنیتی و دفاعی کشور است.

در این نشست شماری از عالمان دین نیز اظهارات مولوی انصاری را در مورد مردم و نظام افغانستان، «سخنان بی‌جا و فتوای جاهلانه» خواندند که به گفته عالمان دین، این اظهارات هیچ اصل و مجوز شرعی ندارد.

سخنان اخیر مولوی مجیب‌الرحمان انصاری در پیوند به «نظام» و «نیروهای امنیتی» افغانستان، واکنش‌های گسترده‌ای به دنبال

۸صبح، کابل: محب‌الله صمیم، وزیر امور سرحدات و قبایل می‌گوید که اظهارات مجیب‌الرحمان انصاری، خطیب مسجد جامع گازرگاه هرات که کار کردن در نظام را گناه کبیره خوانده، سوء استفاده از آزادی بیان و تلاش برای برهم زدن امنیت کشور است.

وزیر امور سرحدات و قبایل روز دوشنبه، چهارم حوت در یک نشست خبری گفت که برای تحت پیگرد قرارگرفتن مجیب‌الرحمان انصاری، به عنوان یک مأمور دولت به دادستانی کل عریضه داده است.

او گفت که اظهارات مولوی انصاری می‌تواند زنده‌گی ماموران نظام را با خطر روبه‌رو کند و راه را برای تجاوز به حقوق بشری و اسلامی مردم نیز هموار می‌کند.

محب‌الله صمیم، انصاری را یک ملای افراطی با سابقه افراطی‌گری خواند و افزود شواهد نشان می‌دهد که سخنانش علیه نظام از خود انصاری نه، بلکه از جاهای دیگر به وی دیکته شده است و او ماموریت یافته است که امنیت کشور را با تعبیرهای افراطی و بیانات نادرست از دین، لطمه بزند.

چهار تن در پی فروریختن یک معدن طلا در ولسوالی راغستان بدخشان کشته شدند

۸صبح، کابل: پولیس بدخشان می‌گوید که در پی فروریختن یک کارخانه زرشویی در ولسوالی راغستان ولایت بدخشان چهار تن کشته شده و سه تن دیگر زخمی شده‌اند.

ثناءالله روحانی، سخنگوی پولیس بدخشان گفت که این حادثه پس از چاشت روز یکشنبه، سوم حوت به دلیل بارش برف و باران شدید رخ داده است. او گفت که پولیس ولسوالی راغستان اجساد قربانیان را به وابسته‌گان آن را سپرده و زخمیان را به مرکز صحتی انتقال داده است.

هنوز مشخص نشده است که این کارخانه زرشویی جواز کار از دولت داشته است یا خیر.

چندین معدن طلا در ولسوالی راغستان ولایت بدخشان وجود دارد که در گذشته گزارش شده بود طالبان برخی از این معادن را تصرف کرده‌اند و از آن طلا برای تمویل جنگ‌جویانش استخراج می‌کند.

معدن طلای بیکادور و روینج‌آب در ولسوالی راغستان از مشهورترین معادنی است در گذشته گزارش‌هایی درباره تسلط طالبان بر این معادن به نشر رسیده است.

#آیا نا از شماسست



ایرانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

انتقال مریضان با خدمات ویژه
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

☎ 📧 📱 📺 📷 📹 📠 📡 📢 📣 📤 📥 📦 📧 📨 📩 📪 📫 📬 📭 📮 📯 📰 📱 📲 📳 📴 📵 📶 📷 📸 📹 📺 📻 📼 📽 📾 📿



حکومت از سه چالش بزرگ گذشت

حکومت در جریان هفته جاری از سه چالش بزرگ عبور کرد. این چالش‌ها شامل اعتصاب شرکت‌های ترانسپورتی و بارچالانی، اعتراضات سراسری صراف‌ها و شرکت‌های خدمات پولی و مقاومت مجلس نمایندگان در برابر طرح بودجه ملی سال مالی ۱۴۰۰ می‌شود. عبور از این چالش‌ها در جریان سه روز گذشته برای حکومتی که میخ مشروعت آن سست است و جنگ و فساد و نارضایتی عمومی، حیات آن را تهدید می‌کند، یک موفقیت بزرگ است. این که حکومت برای عبور از این چالش‌ها به ابزارهای تطمیع و تهدید هم متوسل شده است یا نه، تاکنون روشن نیست. با این وصف، این آنچه تاکنون در باره این موفقیت می‌دانیم، این است که گفت‌وگو تنها ابزار آشکار حکومت برای تفاهم با اعتصاب‌کننده‌ها، معترضان و نمایندگان مجلس بوده است. فاز تازه دولت مجلس نمایندگان با حکومت با رد طرح نخست بودجه ملی برای سال ۱۴۰۰ در دهم جدی آغاز شده بود. واکنش حکومت به این طرح خلاف انتظار بود و قضیه را پیچیده کرد. اشراف غنی به عنوان رئیس‌جمهور در برابر تصمیم مجلس نمایندگان با عتاب برخورد کرد و صلاحیت این نهاد برای پیشنهاد اصلاح و تغییر بودجه را زیر سؤال برد. قبل بر آن، بی‌بی‌گل غنی، مجلس نمایندگان را به دکان خرید و فروش رای تشبیه کرده بود و ام‌الله صالح نیز خواستار لغو معافیت قضایی نمایندگان در دوران مأموریت آن‌ها شده بود. اظهارات عتاب‌آلود غنی بر علاوه اظهارات بانوی اول و معاون اول او، باعث خشم نمایندگان و اطاله دولت حکومت و مجلس تا ماه حوت شد. سرانجام، با گذشت دو ماه از شروع سال مالی ۱۴۰۰، حکومت وادار به عقب‌نشینی شد و نمایندگان در چهارم حوت طرح سوم بودجه را تصویب کردند. نمایندگان گه‌ته‌اند که طرح سوم مطابق پیشنهادات سیاسی‌گزار هستند.

در حالی که دولت مجلس نماینده‌گان و حکومت در اوج خود قرار داشت، شرکت‌های ترانسپورتی و بارچالانی دست به اعتصاب کاری زدند و شهرها و بنادر کشور برای نزدیک به یک ماه بسته ماند. این شرکت‌ها و راننده‌گان برای این اعتصاب دلایل زیادی ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها اخاذی در مسیر شهرها، مالیات متنوع و مشکلات ترهه‌ها است. وزارت امور داخله در دوم حوت اعلام کرد که در پی اقدامات این وزارت، اعتصاب راننده‌گان و شرکت‌های ترانسپورتی پایان یافته است. وزیر داخله وعده کرده است که جلو اخاذی‌ها را خواهد گرفت.

روز سوم حوت، نشستی بین رییس جمهور غنی و نماینده گان صراف ها
 غنی در این نشست وعده سپرده است که ظرف یک هفته
 به مشکلات و پیشنهادات صراف ها رسیده گی خواهد کرد. صرافان نیز
 در پی این وعده به اعتراضات شان پایان دادند.

و اعصاب نزدیک به یک ماه راننده‌گان و شرکت‌های ترانسپورتی و اعتراضات پانزده روزه صرافی‌ها، باعث افزایش قیمت و کمبود بازارها شده بود. بعدتر فاجعه اسلام‌قلعه بهای مواد سوخت را به آسمان رساند؛ طوری که مردم در کابل مجبور شدند، یک کیلوگرم گاز مایع را که قبلاً به ۵۵ افغانی می‌خریدند، ۱۲۰ افغانی بخرند. نرخ دیگر افغانی در بیش‌تر بازارها دست‌خوش تغییر شده بود و داشت از وقوع یک فاجعه دیگر در کشور هشدار می‌داد.

از جانب دیگر، با رد طرح دوم بودجه، حکومت بر خلاف قانون، معاشات مأموران دولت را اجرا نکرده بود. تصمیم حکومت آن بود که با خودداری خلاف قانون از پرداخت معاشات مأموران دولت، مجلس نمایندگان را از ایستاده‌گی در برابر حکومت باز دارد و طرح بودجه آن گونه که مطلوب خودش است، به تصویب مجلس برساند. البته حکومت در اجرای این نقشه تاکم شد. در کنار آن، اجرای بعضی از پروژه‌های انکشافی معطل قرار گرفت و نمایندگان نیز از یک ماه خستی زمستانی خود محروم شدند.

در برهه میان امدان این چالش‌ها، حکومت مقصر اصلی است. خیره‌سری مقامات و بی‌توجهی آن‌ها به مشکلات رانندگان و پیشنهادات صراف‌ها و نمایندگان مجلس، باعث دوام بیش‌تر این چالش‌ها و بروز مشکلات عدیده در کشور شد. اگر در همان روزهای نخست اعتراضات و اعتصابات، حکومت به رانندگان و صراف‌ها گوش می‌سپرد، احتمالاً فاجعه اسلام‌قلعه و بی‌نظمی در بازار و مشکل توقف تبادل ارز به وقوع نمی‌پیوست. ضمن آن‌که خسارت هنگفت مالی به دست‌اندرکاران این عرصه‌ها نیز وارد می‌شد.

حکومت در دولت خود با مجلس نمایندگان نیز بی‌ملاحظه عمل کرده بود. مجلس نمایندگان در پی خیرسری حکومت و نادیده گرفتن صلاحیت‌های قانونی این نهاد، نزدیک بود دست به یک تصمیم خطرناک بزند. طرح بحث حکومت موقت در مجلس نمایندگان و تشکیل یک کمیسیون ویژه برای صلح با طالبان از پیامد همین تغییرسری‌ها و اظهارات غیرمسئولانه در برابر این نهاد بود. اگر حکومت فعلاً موضع نمی‌داد و فاز گفت‌وگو با این نهاد را نمی‌گشود، شاید در وضعیت بدتر از وضعیت کنونی قرار می‌گرفت.

حالا که حکومت از این سه چالش بزرگ با موفقیت عبور کرده است، باید وعده‌هایش به اعتصاب‌کننده‌ها، معترضان و نمایندگان مجلس را عملی کند. انتظار می‌رود که حکومت برای غلبه بر این چالش‌ها به تهدید و تطمیع متوسل نشده باشد. هم‌چنان توقع می‌رود که حکومت عبور از این سه چالش‌ها را کلوز در آب نمانده باشد و فردا بتواند وعده‌هایش را عملی کند. بر غیر این صورت، باید بار دیگر آماده تجربه متفاوتاتی باشد که طی ماه‌های اخیر تجربه کرده و تاوان اصلی آن را نیز مردم عام بر دوش کشیده‌اند.

هیأت ریاست جمهوری بررسی آتش سوزی اسلامقلعه را آغاز کرد



۸صبح، هرات: اعضای هیأت اعزامی از کابل که به دستور رئیس جمهور غنی برای بررسی رویداد آتشسوزی گمرک اسلامقلعه به هرات سفر کرده‌اند، بررسی‌های‌شان را در پیوند به این حادثه را آغاز کردند.

غلام‌په‌اء‌الدین جیلانی، وزیر دولت در امور رسیدگی به حوادث، که ریاست هیأت را برعهده دارد، روز دوشنبه، چهارم حوت، در یک نشست خبری در هرات گفت که پس از بررسی‌های همه‌جانبه از سوی هیأت، ریاست جمهوری در پیوند به پرداخت خسارت به مال‌بخته‌گان تصمیم خواهد گرفت.

به گفته او، نماینده‌گان چندین نهاد دولتی از جمله وزارت‌های ترانسپورت، داخله، صنعت و تجارت، مالیه، دادستانی کل و شورای امنیت ملی، عضویت هیأت را دارند و قرار است در جریان چند روز حضور در هرات، چگونه‌گی وقوع حادثه مشخص و مقصرانش را شناسایی کنند. پیش از این راننده‌گانی که موترهایشان در آتش

دادگاه استیناف بامیان مردی را در پیوند به قتل یک زن به ۱۰ سال زندان محکوم کرد



۸ صبح، بامیان: دادگاه استیناف ولایت بامیان در یک نشست قضایی علنی، مردی را به دلیل شراکت در قتل یک زن ۳۵ ساله در مربوطات ولسوالی حصه اول یک‌ه‌اولنگ، به ۱۰ سال زندان محکوم کرد.

این مرد یحیا نام دارد و در نشست قضایی روز دوشنبه، چهارم حوت از سوی دادگاه استیناف «در قضیه معاونت در جرم قتل» که حدود شش ماه پیش در خانه‌اش سر بریده شده بود، محکوم شناخته شد. گفته شده این خانم توسط شوهر و به همکاری برادر شوهرش سر بریده شده است. شوهر مقتول تاکنون فراری است اما برادرش بازداشت و پس از سپری کردن دو دادگاه، سرانجام به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

هیات قضایی ریاست دیوان رسیده‌گی به جرایم خشونت علیه زن و تخلفات کودکان دادگاه استیناف بامیان، فیصله‌ی دادگاه ابتدایی در این

رئیس تهیه و تدارکات وزارت معارف به اتهام فساد بازداشت شد

۸ صبح، کابل: دادستانی کل اعلام کرده است که رییس تهیه و تدارکات وزارت معارف و رییس شرکت وارث سیر به اتهام فساد اداری بازداشت شده‌اند.

طبق اعلام دادستانی کل، این دو تن روز یکشنبه، سوم حوت به اتهام فساداداری پس از یک سلسله تحقیقات از سوی دادستانی اختصاصی مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری بازداشت شده‌اند. دادستانی کل می‌گوید که پرونده این افراد تحت بررسی است.

این نهاد با نشر خبرنامه‌ای افزوده است که

سوخته بود، ادعا داشتند که این هیأت برای آنان
قابل قبول نیست و باید نماینده‌گان راننده‌ها و
موترداران نیز در جریان بررسی‌ها دخیل باشند،
اما اعضای هیأت پافشاری دارند که نماینده وزارت
ترانسپورت، جزییات بررسی‌ها را با موترداران
شریک می‌کند.

با گذشت ۱۰ روز از آتش‌سوزی بزرگ در گمرک مرزی اسلام‌قلعه هرات، تاکنون مقام‌های حکومتی از ارایه آمار دقیق خسارت‌های مالی به جای مانده از آن خودداری می‌کنند. آمنه احمدی، رئیس عمومی گمرکات وزارت مالیه پافشاری دارد پس از پایان بررسی‌ها آمار در میان گذاشته خواهد شد. پیش از این اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان گفته بود در این رویداد حدود یک‌هزار موتر اشتراک گرفته و یک‌هزار موتر دیگر ناپدید است. هرچند تاکنون چندین هیأت از نهادهای گوناگون برای بررسی آتش‌سوزی به هرات آمده، اما سرنوشت پرداخت خسارت به مال‌باخته‌گان و عاملان رویداد مشخص نیست.

صالح از شیوه جدید
ماین‌گذاری طالبان در شهر
کابل اطلاع‌رسانی کرد



۸صبح، کابل: امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری می گوید که «تروریستان» در روزهای خیر برای بمب گذاری ها در جاده های کابل از روش کاملاً جدید استفاده می کنند.

دفتر صالح روز دوشنبه، چهارم حوت، با نشر
تصاویری از این شیوه گفته است که براساس
سند مدارک قوی که وجود دارد، طالبان
مهرم‌های خاص را از پاکستان به دست آورده‌اند
که به استفاده از آن یک سوراخ به عمق ۱۰
سانتی متر را ایجاد و ماین را در آن جاسازی
می‌کنند.

به گفته امرالله صالح، این برمه‌ها عمدتاً در موتورهای سراج‌ها جابه‌جا می‌شود و با توقف یک ناو دو دقیقه می‌تواند یک سوراخ به عمق ۱۰ سانتی متر را در سرک ایجاد کند.

و افزوده است که پس از حفر این سوراخ، بمب‌های هم‌رنگ جاده جاسازی می‌شود و این روش آدمش‌کشی اکنون افشا شده است.

میراثه صالح که مسوولیت تأمین امنیت شهر کابل را بر عهده دارد، گفته است که برای نام‌سازی این روش پولیس و دیگر نیروهای امنیتی مکلف هستند تا تمام موترهای سراجا-غرفه‌دار و یا موترهایی را که سیت عقبی‌شان نور شده است، به صورت جدی تلاشی کنند. به گفته او، برمه‌های خاص که در اختیار تروریستان قرار گرفته است اگر در نزد کسی پیدا شد دلیلی بر دست داشتن در ترور و ایجاد وحشت است.

معاون اول ریاست جمهوری افزوده است که این روش ضدانسانی دشمن را مهیار و ناکام می‌کند، ما شک ندارد که مراکز آموزشی تروریستان در پاکستان روش دیگری برای کشتار مردم برای‌شان آموزش خواهند داد.

و از مردم خواسته است که متوجه محیط و طرافشان باشند.

مرااثه صالح هم چنان گفته است که در انفجار، چهارراهی برهکی در شهر کابل که باعث کشته شدن چهار نفر و زخمی شدن پنج نفر دیگر شد، نیز از روش جدید استفاده شده بود. این اواخر ماهی‌ها کنار جاده‌ای در این شهر کابل افزایش یافته است. مسوولیتی بسیاری از این انفجارها را فرد و یا گروهی بر عهده نمی‌گیرد، اما طالبان از سوی دولت مسوول اصلی این بمب‌گذاری‌ها عنوان می‌شود.

محافظ و راننده معاون
امنیت ملی هرات کشته
شدند

۸صبح، هرات: منابع امنیتی از کشته شدن دو کارمند ریاست عمومی امنیت ملی هرات خبر می‌دهند. یک مقام معتبر امنیتی هرات، بدون فشای نامش در صحبت با روزنامه ۸صبح این رویداد را تایید می‌کند.

به گفته او، دو کارمند ریاست عمومی امنیت ملی، صبح روز دوشنبه، چهارم حوت، در منطقه «سید مختار» شهر هرات کشته شدند.

گواهان رویداد می‌گویند مردان مسلح موتورسایکل‌سوار پس از گلوله‌باری بر کارمندان امنیت ملی، جنگ‌افزارهای آنان را نیز با خود بردند.

فرد کشته شده محافظ امنیتی و راننده معاون امنیت شهری ریاست امنیت ملی هرات هستند. به روایت منابع امنیتی، هدف حمله‌کنندگان موتر معاون امنیت شهری ریاست امنیت ملی هرات بود، اما در هنگام گلوله‌باری او در موتر نبود و آسیب ندیده است.

چند روز قبل نیز مردان مسلح در دو رویداد جداگانه، بر موتر نظامیان ارتش گلوله‌باری کرده و دو کارمند یک شرکت خصوصی قراردادی با ارتش را در هرات کشتند.

نزورهای مسلحانه یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های امنیتی در هرات است و از مردم ملکی و نظامیان قربانی می‌گیرد.

با کشورهای همسایه که سطح تجارت‌شان حدود «۵۰ درصد» کاهش یافت، وضعیت افغانستان بهتر است. از جانب دیگر، فعالان اقتصادی تأکید دارند که همه‌گیری ویروس کرونا در کشور زبان بزرگ مالی برای آنان در پی داشت و سبب محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی و مانع گسترش تجارت و کسب‌وکارشان شده است.

روایت مردم از ویروس کرونا

یک سال پیش، هیولای کرونا از شهر قُم کشور ایران به هرات انتقال یافت. در نخستین روزهای همه‌گیری کرونا در هرات، مردم از این ویروس وحشت داشتند و ترس از بیماری سبب شد برخی بیماران بستری در شفاخانه، به خانه باز نگردند و جان خود را از دست دهند. کبیر سیار، مردی که در هرات به این بیماری مبتلا شد، ۵۲ روز در سخت‌ترین شرایط دور از اعضای خانواده در مراکز درمانی خود را قرنطین کرد تا مبادا سبب انتشار بیش‌تر ویروس در جامعه شود. او خاطرات تلخی از حضور در مراکز درمانی دارد و هنوز هم فوت بیمارانی که در کنارش بستری بودند را از یاد نبرده است.

از دید وی، مهم‌ترین تجربه و درسی که می‌توان از بحران همه‌گیری کرونا گرفت، این است که افراد باید در برابر مشکلات زنده‌گی مبارزه کنند و نباید خیلی زود تسلیم سختی‌های روزگار شوند، بلکه باید در در برابر بحران‌ها مقاومت کنند و مسیر زنده‌گی را ادامه دهند. رامین امین، از ساکنان هرات که پدرش به دلیل ابتلا به ویروس کرونا وفات کرد، در صحبت با روزنامه ۸صبح باور دارد که حکومت در مدیریت کرونا «کاملاً ناکام» بود و امکانات کافی برای درمان بیماران در هنگام اوج همه‌گیری ویروس در مراکز درمانی وجود نداشت. به گفته او، بیماران در شفاخانه درمان بیماران کرونا در هرات، به دلیل کمبود آکسیجن و کم‌توجهی پزشکان، با مشکلات زیادی دست‌به‌گریبان بودند و او در جریان یک شبانه‌روز، گواه فوت دست‌کم ۱۵ تا ۲۰ بیمار در شفاخانه کووید-۱۹ هرات بود. بر اساس آمار رسمی وزارت صحت عامه، در جریان یک سال گذشته، دو هزار و ۴۳۵ بیمار کرونا در کشور جان باخته، ۴۸ هزار و ۸۹۵ بیمار بهبود یافته، ۲۸۸ هزار و ۲۸۴ نمونه مشکوک گرفته شده و ۵۵ هزار و ۶۴۶ آزمایش کرونا در سطح کشور انجام شده است.



محمدنکینخواه

کووید-۱۹ در هر ولایت و ۱۸ آزمایشگاه تشخیص ویروس کرونا در ۱۲ ولایت ایجاد شده و شمار آن تا دو ماه آینده به بیش‌تر از ۴۰ آزمایشگاه افزایش می‌یابد. از دید وزارت صحت عامه، «موج اول» و «موج دوم» همه‌گیری کرونا در افغانستان سپری و تمام آماده‌گی‌ها برای مهار ویروس روی دست گرفته شده است. افزون بر این، جامعه پزشکی نسبت به یک سال قبل تجربه‌های خوبی برای مقابله با ویروس کرونا و درمان بیماران مبتلا به آن کسب کرده است.

تأثیرات اقتصادی کرونا

مقام‌ها در اداره هوانوردی ملکی کشور می‌گویند که سال ۱۳۹۹ خورشیدی هم‌زمان بود با آغاز همه‌گیری ویروس کرونا در کشور و این مسأله «دنیایی از چالش‌ها و مشکلات» را در فعالیت شرکت‌های هوایی و حمل‌ونقل هوایی به میان آورد. نعیم صالحی، سخنگوی اداره هوانوردی ملکی، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که برای جلوگیری از زیان‌های مالی و به «صفر رسیدن» فعالیت شرکت‌های هوایی، دستورالعمل آغاز فعالیت شرکت‌های هوایی پس از دوره قرنطین نهایی و عملی شد.

به گفته او، پس از توقف پروازها در زمان قرنطین، بر مبنای رهنمود سازمان جهانی هوانوردی ملکی، پروازهای داخلی و خارجی با رعایت موارد بهداشتی آغاز شد و این امر سبب کاهش زیان مالی برای سکتور هوایی کشور گردید، اما هنوز پروازهای خارجی به حالت عادی بازنگشته است.

مقام‌های وزارت صنعت و تجارت باور دارند که در آغاز همه‌گیری کرونا، تصور می‌شد افغانستان دچار «قحطی بزرگ» شود، اما وضعیت کنترل شد. فواد احمدی، سخنگوی این وزارت، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که تنها در سه ماه اول اوج همه‌گیری کرونا، مشکلاتی به گونه مقطعه‌ای در بخش صنعت به میان آمد.

بررسی‌های وزارت صنعت و تجارت نشان می‌دهد که همه‌گیری کرونا در بخش صنعت تأثیر زیادی نداشت و گزارش‌های موجود نشان‌گر کاهش «۱۰ درصدی» سطح تجارت نسبت به سال گذشته است، اما در مقایسه

یک‌ساله‌گی کرونا در افغانستان؛

واکسیناسیون آغاز می‌شود



منابع در وزارت صحت عامه کشور به روزنامه ۸صبح می‌گویند که احتمال دارد امروز سه‌شنبه، پنجم حوت، از واکسین کرونا در کشور رونمایی شود و مرحله عملی اجرای واکسیناسیون در سالروز ثبت نخستین واقعه مثبت کرونا در افغانستان، آغاز شود. عثمان طاهری، معاون سخنگوی وزارت صحت عامه، به روزنامه ۸صبح می‌گوید واکسین کرونا که از سوی کشور هندوستان در اختیار افغانستان قرار گرفته، برای ۲۵۰ هزار شهروند کشور توزیع می‌شود و آماده‌گی‌ها برای آغاز روند عملی برنامه واکسیناسیون روی دست گرفته شده است. از میان مجموع ۲۵۰ هزار واکسین کرونا، ۱۲۰ هزار آن برای نیروهای امنیتی توزیع خواهد شد و ۱۳۰ هزار دیگر برای غیرنظامیان مطابق «برنامه اولویت‌بندی» و فرم‌هایی که در اختیار افراد قرار گرفته، توزیع خواهد شد.

معاون سخنگوی وزارت صحت عامه می‌افزاید که از چند روز قبل فرم‌های ثبت نام به افرادی که برای دریافت واکسین در اولویت هستند، از سوی وزارت صحت عامه توزیع شد و در قدم نخست قرار است کارمندان سکتور صحت، نیروهای امنیتی و فعالان رسانه‌ای واکسین کرونا را دریافت کنند. به گفته او، دو هزار بستر برای درمان بیماران در سطح کشور، یک مرکز ویژه درمان

وزارت صحت عامه از آغاز «مرحله عملی اجرای واکسین کرونا»، یک سال پس از ثبت نخستین موارد مثبت بیماری کووید-۱۹ در کشور خبر می‌دهد. منابع در این وزارت می‌گویند که به زودی از واکسین کرونا رونمایی و روند عملی تطبیق واکسین آغاز می‌شود. سال گذشته در تاریخ پنجم ماه حوت، وزارت صحت عامه کشور ثبت نخستین بیمار مبتلا به ویروس کرونا را تأیید کرد. بر مبنای آمار رسمی وزارت صحت عامه، در جریان یک سال گذشته، حدود دو هزار و ۵۰۰ بیمار کرونا در کشور جان باخته و حدود ۵۰ هزار فرد مبتلا به بیماری کووید-۱۹ بهبود یافته‌اند. یک سال پس از ثبت نخستین واقعه مثبت کووید-۱۹ در افغانستان، افرادی که با این بیماری درگیر شدند، خاطرات تلخی از مجادله با کرونا دارند. ویروسی که زنده‌گی افراد را در سراسر جهان دگرگون کرد و تلفات جانی و زیان‌های بزرگ اقتصاد به دنبال داشت. آمار وزارت صنعت و تجارت نشان می‌دهد که به دلیل همه‌گیری کرونا، میزان تجارت در کشور حدود «۱۰ درصد» کاهش یافته است. اداره هوانوردی ملکی نیز تأکید دارد که همه‌گیری کرونا مشکلاتی را برای سکتور هوایی به میان آورده است.

آماده‌گی برای آغاز روند واکسین کرونا

پایان جدال دو ماهه مجلس و حکومت؛

بودجه با چه تغییراتی تصویب شد؟

و ۴۰۰ میلیون آن از وجوه صندوق بین‌المللی پول یا آی‌ام‌اف تمویل می‌شود.

تصویب بودجه از سوی مجلس با استقبال حکومت مواجه شد. ارگ ریاست جمهوری روز دوشنبه، چهارم حوت، با نشر اعلامیه‌ای از اعضای مجلس برای تصویب بودجه ملی سال مالی ۱۴۰۰ سپاس‌گزاری کرد. در اعلامیه نشر شده، تصویب بودجه برای تطبیق به موقع طرح‌ها و برنامه‌های اساسی دولت، به ویژه پروژه‌های انکشافی مهم خوانده شده است. حمدالله محب، مشاور امنیت ملی، نیز از مجلس برای تصویب بودجه و پایان این «معضل»، سپاس‌گزاری کرد. او پیش‌تر تلاش کرده بود که میان حکومت و مجلس پادرمیانی کند. این در حالی است که شورای امنیت ملی پیش‌تر به حمایت از موافقان پیش‌نویس بودجه متهم شده بود.

گفتنی است که پیش‌نویس اول بودجه ملی سال مالی ۱۴۰۰ در هفدهم قوس به نشست عمومی مجلس ارایه شد. مجلس نماینده‌گان اما در دهم جدی این پیش‌نویس را با اکثریت آرا رد کرد. اعضای مجلس در ادامه طرح یک‌سان‌سازی معاشات را در هفدهم جدی تصویب کردند که براساس آن، باید از امتیاز برخی از کارمندانی که معاش بلند می‌گیرند، کاسته شده و به معاش کارمندان پایین‌رتبه اضافه شود. با این حال، حکومت بدون اضافه کردن این طرح، پیش‌نویس دوم را به مجلس فرستاد. در ادامه و در بیست‌وهفتم جدی، دومین پیش‌نویس بودجه سال مالی نیز به رای گذاشته شد، اما نتوانست از مجلس رای بگیرد.

بحث بر سر بودجه ملی سال مالی ۱۴۰۰ تقابل بی‌پیشینه‌ای را میان مجلس و حکومت شکل داد. مجلس در ادامه از رفتن به رخصتی ۴۵ روزه خودداری کرد تا بحث‌ها بر سر سند بودجه ادامه یابد. بدین ترتیب اعضای مجلس پس از تصویب بودجه تا پانزدهم حوت به رخصتی می‌روند و در ادامه سال کاری جدید را آغاز می‌کنند.

مسوولان در کمیسیون مالی، بودجه، محاسبات عمومی و امور بانک‌های مجلس نیز در جریان گزارش، از حل برخی از موارد در سند بودجه خبر دادند. میرافغان صافی، رییس این کمیسیون، در نشست عمومی مجلس گفت که مجلس توانسته است پس از رد پیش‌نویس‌های اول و دوم بودجه سال مالی ۱۴۰۰، برخی از خواسته‌هایش را بگنجاند. او از افزایش دو هزار افغانی بر معاش کارمندان پایین‌رتبه دولتی و آموزگاران، حذف برنامه دست‌رخوان ملی از سند بودجه، مشخص شدن صلاحیت مجلس در قبال سند بودجه، در نظر گرفتن ۴۰۴ میلیارد افغانی برای واحد عملیاتی تنها برای پروژه‌های زیر کار، شامل ساختن پروژه‌های انکشافی، حذف خرج دست‌رخوان معینان و ریيسان اداره‌های دولتی، تعیین معیار مشخص برای معاش امتیازی، حذف پروژه ارتقای ظرفیت غیرضروری، شامل ساختن عواید شاروالی کابل در سند بودجه، اصلاحات در اصول‌نامه اجراییه‌ای بودجه، کاهش در کدهای احتیاطی ۹۱ و ۹۲، ایجاد تغییرات در تشکیل ان‌تی‌ای و جابه‌جایی آن در اصول‌نامه بودجه و پاسخگو شدن کمیته ملی تدارکات به ولسی‌جرگه را از تغییرات عمده در پیش‌نویس سوم بودجه عنوان کرد.

براساس معلومات کمیسیون مالی، بودجه، محاسبات عمومی و امور بانک‌ها، بودجه سال مالی جدید ۴۷۳ میلیارد و ۲۱ میلیون افغانی است که از این میان، ۳۱۱ میلیارد و ۵۰۶ میلیون آن را بودجه عادی و ۱۶۱ میلیارد و ۵۲۵ میلیون آن را بودجه توسعه‌ای تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب تنها ۳۴ درصد از بودجه سال مالی برای بخش توسعه‌ای در نظر گرفته شده است. از میان مجموع منابع، ۲۱۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون آن از منابع داخلی و ۲۱۸ میلیارد و ۹۴۱ میلیون آن از منابع خارجی و قرضه تأمین می‌شود. در این میان ۳۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون نیز کسر ابتدایی دانسته شده است که ۲۰ میلیارد آن از وجوه ریزرفی و ۱۷ میلیارد



مهم تاریخی برای مجلس نماینده‌گان و مردم» یاد کرد و افزود که مجلس پس از دو ماه مقاومت و مطالعه دقیق بودجه، موفق به جابه‌جایی «خواست‌های مهم و برحق مردم» در سند بودجه شده است.

او از افزایش معاش کارکنان، جا دادن پروژه‌های انکشافی، تعادل و تنظیم نسبی پول در کدها، کاهش مصارف غیرضروری و جلوگیری از حیف‌ومیل شدن دارایی مردم به عنوان «فصل‌های مهم از این کامیابی‌ها» نام برد. به گفته آقای رحمانی، کاری که مجلس نماینده‌گان در جریان دو ماه بحث بر سر بودجه سال مالی انجام داده، به هیچ عنوان «سیاسی» و «گروگان‌گیری» نبوده است، بلکه تنها «تصرف صلاحیت‌های مجلس نماینده‌گان طبق قانون اساسی و اهمیت بخشیدن به تفکیک قوا در چارچوب زیبایی‌های مباحث مختلف و دیدگاه‌های متفاوت» بوده است. او هم‌چنان از حکومت و وزارت مالیه برای درک «نگرانی‌های برحق» مجلس هرچند با «تاخیر و سرسختی‌های زیاد»، قناعت به طرح اعضای مجلس و باز گذاشتن درب‌های همکاری‌های آینده، سپاس‌گزاری کرد. میررحمان رحمانی در ادامه تصریح کرد که مجلس با همه توان به گونه «صادقانه» و با «درک کامل از مکلفیت‌ها و مسوولیت‌های خود» برای تحقق «خواسته‌های برحق مردم» از هیچ‌گونه «فداکاری» دریغ نخواهد کرد.

با رد پیش‌نویس‌های اول و دوم بودجه ملی سال مالی ۱۴۰۰، مجلس سرانجام تصمیم گرفت که سومین پیش‌نویس آن را تأیید کند. از میان اعضای حاضر در جلسه رای‌گیری پیش‌نویس بودجه،

تنها سه عضو مجلس به آن کارت سرخ نشان دادند. بدین ترتیب پس از دو ماه جنجال و پافشاری، اعضای مجلس توانستند دو هزار افغانی بر معاش کارمندان پایین‌رتبه دولتی و آموزگاران بیفزایند و برخی دیگر از موارد، از جمله برنامه دست‌رخوان ملی و خرج دست‌رخوان معینان و ریيسان اداره‌ها را نیز از بودجه سال مالی حذف کنند. رییس مجلس نماینده‌گان از تصویب بودجه به عنوان «روز تاریخی» یاد کرد و گفت که اعضای مجلس توانسته‌اند پس از دو ماه مقاومت، «بخشی از خواسته‌های برحق مردم» را در سند بودجه بگنجانند. به گفته او، پافشاری مجلس گروگان‌گیری نبوده و جنبه سیاسی نیز نداشته است. در ادامه ارگ ریاست جمهوری و شورای امنیت ملی از اقدام مجلس نماینده‌گان استقبال کردند. پیش‌تر بحث بر سر بودجه، تقابل جدی را میان مجلس و حکومت شکل داده بود و مجلس برای دوام این بحث‌ها، از رفتن به رخصتی زمستانی خودداری کرد. گفتنی است که با تصویب بودجه، سال کاری مجلس نماینده‌گان نیز پایان یافت و قرار است اعضای مجلس در شانزدهم حوت دوباره به تالار مجلس بازگردند.

سومین پیش‌نویس بودجه ملی سال مالی ۱۴۰۰ سرانجام از سوی مجلس نماینده‌گان رای تأیید گرفت. اعضای مجلس روز دوشنبه، چهارم حوت، در نشست عمومی، بودجه سال مالی را با اکثریت آرا تصویب کردند. از میان مجموع اعضای حاضر در مجلس، تنها سه عضو مجلس به پیش‌نویس بودجه کارت سرخ نشان دادند. میررحمان رحمانی، رییس مجلس نماینده‌گان، در این نشست گفت که حکومت در نتیجه تلاش و موضع‌گیری‌های منصفانه اعضای مجلس، به خواست مجلس تمکین کرده است. او از این روز به عنوان «روز



حبیب‌بهش

سیاست راهبردی روسیه در قبال افغانستان؛

هم آغوشی با طالب، جنگ با داعش



نام افغانستان همواره تداعی کننده خاطره تلخ در سیاست خارجی روسیه است که در ادبیات سیاسی آن کشور، به عنوان «سندروم افغان» یاد می‌شود. اثرگذاری افغانستان بر امنیت، سیاست و اجتماع روسیه به رغم موجودیت فاصله جغرافیایی میان دو کشور، انکار ناپذیر است. گرچند شکست تاریخی روسیه در افغانستان سبب شد که علاقه‌مندی این کشور به مسایل افغانستان کم‌رنگ شود، اما ظهور گروه‌های بنیادگرا و جدی شدن خطر سرایت افراط گرایی اسلامی به آسیایی مرکزی به عنوان قلمرو امنیتی روسیه، بیش از پیش این کشور را وادار به دخالت در قضیه افغانستان کرد.

ظهور گروه طالبان در صحنه سیاسی افغانستان و به دست گرفتن قدرت از سال ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۱، سبب بروز چالش‌های عمده برای افغانستان، روسیه و حوزه نفوذ آن و نیز نگرانی‌های فزاینده‌ای برای غرب شد. در نهایت با وقوع حادثه یازدهم سپتامبر که منتج به حمله نظامی ائتلاف جهانی به رهبری امریکا به افغانستان شد، فصل جدید روابط میان شرق و غرب در میدان بازی افغانستان رقم خورد. پس از آن، علی‌رغم تعامل مثبت روسیه با دولت‌های افغانستان، از سال ۲۰۱۴ با حضور نیروهای دولت اسلامی عراق و شام در این کشور، گمانه‌زنی‌ها در خصوص خطر احتمالی اتحاد افراطیون اسلامی و تأثیرات منفی آن بر حوزه کنش‌گری و امنیتی روسیه در افغانستان و خارج از آن، قوت گرفت. نتیجه آن اقداماتی بود که تحت عنوان بازی جدید روسیه در افغانستان نضج گرفت و محور آن روابط مستقیم روسیه با طالبان بود که از سوی منابع موفق روسی و غیرروسی تأیید شد. (شکوری، ۱۳۹۵)

پرسش کانونی این است که کدام عوامل سبب تحول سیاست خارجی روسیه نسبت به افغانستان شده است؟ فرضیه قابل طرح این است که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ساختار سیاسی افغانستان، چندپارچه‌گی قدرت، منازعات تاریخی میان قومی، ناپایداری قدرت مرکزی، حضور بازی‌گران بین‌المللی و منطقه‌ای در میدان بازی افغانستان به هدف تولید حفظ و تداوم منافع، روسیه گروه طالبان را چالشی می‌داند که ظرفیت و پتانسیل فرصت‌زایی را دارد. بنابراین، روسیه به جای پیش‌گیری استراتژی تقابل، با هم‌سوی و تعامل با گروه طالبان، نه تنها حضور قدرتمند غرب در افغانستان را با چالش مواجه ساخته است، بلکه می‌خواهد به طور غیرمستقیم بر چالش نوظهور داعش تأثیرگذار باشد.

افغانستان در دوره پسا شوروی بیش از آن‌که منبع منافع برای مسکو باشد، منبع تهدید بوده است. این تهدیدات را می‌توان در دو بخش متقارن (عمدتاً ژئوپلیتیکی) و نامتقارن امنیتی تقسیم‌بندی کرد. تهدیدات ژئوپلیتیکی بیش از هر چیز ناشی از رقابت قدرت بر سر افغانستان میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. در نگاه روس‌ها، هم‌چنانی که امریکا از افغانستان برای تحمیل شکست بزرگ به شوروی استفاده کرد، هنوز نیز می‌تواند از این کشور برای اعمال فشار بر روسیه استفاده کند. اما رویکرد سیاسی و ژئوپلیتیکی روسیه به افغانستان تنها معطوف به رقابت و موازنه‌سازی با غرب نیست و کرملین با ایجاد موازنه با سایر قدرت‌های منطقه‌ای، چون چین، هند و دیگر همسایه‌گان این کشور از جمله ایران و پاکستان نیز توجه داشته است و دارد (شکوری، ۱۳۹۵) یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل و مولفه‌های ذیل سبب شکل‌گیری بازی جدید و رویکرد سیاست جدید روسیه در افغانستان شده است:

۱. یکی از وظایف روسیه در ارتباط با افغانستان تضمین وضعیت بی‌طرفی این کشور و جلوگیری از تبعیت افغانستان از نفوذ دولت‌های خارجی است که مستلزم یافتن راه‌هایی برای ایجاد توازن منطقه‌ای و محدود کردن نفوذ دولت‌های خارجی در سیاست خارجی افغانستان است. روسیه با ایجاد روابط با افغانستان، به هدف جلوگیری از خطری که از جنوب تهدید می‌کند و هم به منظور جلوگیری از شکل‌گیری یک نظام سیاسی کاملاً وابسته به امریکا و ناتو، ضرورت داشته است. روسیه با گسترش نفوذ سازمان

نظامی ناتو به سمت مرزهایش مخالف است؛ چرا که از نظر این کشور، گسترش ناتو به شرق در راستای کاهش اقتدار روسیه در نظام بین‌الملل، از بین رفتن مناطق حایل و هم‌مرزی ناتو با این کشور قابل ارزیابی است. بر این اساس، می‌توان گسترش ناتو به شرق را مهم‌ترین چالش میان روسیه و غرب دانست که مقامات کرملین را بیش از پیش به سمت موازنه‌سازی در سیاست خارجی – امنیتی و نیز استفاده از سلاح انرژی به پیش برده است. (سجاد پور و جهانبخش، ۱۳۹۶)

۲. دولت روسیه، پاکستان و افغانستان را به عنوان لانه تروریسم می‌شناسد. خطر تهدید تروریسم و افراط گرایی اسلامی بدون شک برای دولت‌مردان روسی یک مسأله مهم و حیاتی است. مسکو یکی از جذاب‌ترین مقاصد تروریست‌ها و گروه‌های افراطی اسلامی است. روسیه به هدف مبارزه با گروه‌های افراطی و جلوگیری از حضور گروه‌های تروریستی در قلمرو امنیتی‌اش، علاقه‌مند دخیل بودن در مسأله افغانستان است. ظهور بنیادگرایی اسلامی و بروز خشونت در قفقاز شمالی و آسیای مرکزی برای سیاست امنیتی روسیه اهمیت دارد. افراط گرایی اسلامی و روابط خاص آن با افغانستان، پاکستان و دیگر کشورهای اسلامی سبب

۳. افغانستان ژئوپلیتیک زرع، تولید و قاچاق مواد مخدر است. مواد مخدر به عنوان مهم‌ترین بستر بازتولید تروریسم و افراط گرایی مطرح است که با سرازیر شدن سالیانه چند صد میلیون دلار از کشت، تولید و قاچاق این محصولات، اقتصاد جریان‌های افراطی فعال در افغانستان تامین می‌شود. روسیه یکی از کشورهایی است که از قاچاق و مصرف مواد مخدر افغانستان آسیب فراوان دیده است. علاوه بر آن، خاک این کشور به عنوان یکی از مسیرهای قاچاق مواد مخدر به کشورهای اروپایی محسوب می‌شود. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که بیش از نود درصد مواد مخدر قاچاق شده به روسیه از طریق افغانستان صورت می‌گیرد. (سجاد پور و جهانبخش، ۱۳۹۶)

۴. روسیه می‌خواهد فرصت سرمایه‌گذاری در افغانستان، به خصوص در بخش نفت را داشته باشد. شرکت‌های روسی چشم به نفت و گاز افغانستان دوخته‌اند.

۵. با شکست دولت اسلامی عراق و شام در سوریه و عراق و پدیدار شدن شاخه خراسان داعش در افغانستان، علایق و منافع روسیه در افغانستان به طور عینی با منافع آن کشور در ارتباط با طالبان هم‌سو شده است. سیاست راهبردی روسیه بر محور حمایت از یک گروه تروریستی به هدف شکست یک گروه تروریستی دیگر شکل گرفته است. به گفته جاوید احمد، کارشناس دانشگاه ییل در حوزه جنوب آسیا، دولت اسلامی عراق و شام، از دیدگاه روسیه، تهدید بزرگ‌تری نسبت به طالبان در خصوص منافع آن به شما می‌رود. به این دلیل است که در بازی جدید، روس‌ها دشمن سابق خود، یعنی طالبان را در آغوش گرفته‌اند. طالبان به عنوان سپری در برابر نفوذ دولت اسلامی در کشورهای همسایه تلقی می‌شود. رویکرد مسکو در حمایت و تجهیز طالبان در مقابل داعش به عنوان سیاست «شر علیه شر» نامیده می‌شود. به این نحو که از این طریق هم طالبان و هم داعش، هم‌زمان تضعیف می‌شوند و توسل احتمالی آن‌ها به نیروهای خارجی، از جمله مسکو برای تأمین پول و سلاح، می‌تواند سایر اهداف روسیه را نیز محقق نماید. (شکوری، ۱۳۹۵) واقعیت‌های بازی سیاسی – امنیتی در افغانستان روشن می‌سازد که سیاست‌مداران روسی دست‌شان را به سوی طالبان به چهار دلیل استراتژیک زیر دراز کرده است:

الف- از طریق ایجاد رابطه با طالبان، مسکو به غرب هشدار می‌دهد که در خلال دستور جلسه افغانستان

یزدان حاتمى

از علایق مسکو در سطح ملی و بین‌المللی غفلت نکنند. در جنوری ۲۰۱۶ یک گروه همکاری چهارگانه با شرکت ایالات متحده، چین، پاکستان و افغانستان برای پیشبرد صلح شکل گرفت. چهار دولت نامبرده، جلساتی را برای مذاکره با طالبان ترتیب داد، اما روسیه به حاشیه رانده شد، اگرچه تلاش‌های آن‌ها سرانجام به شکست مواجه شد. در عوض، مسکو ملاقات‌های سه‌گانه‌ای را با افغانستان و با حضور روسیه، چین و پاکستان ترتیب داد که بعداً مورد حمایت ایران قرار گرفت. بنابراین، روسیه به غرب هشدار داد که قادر است در افغانستان از طریق تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای دیگر، ایفای نقش کند.

ب- از طریق حمایت از طالبان، سیاست‌مداران روسی می‌خواستند تا موانع در برابر امریکا و ناتو در منطقه را افزایش دهند. به منظور تقویت ارتباط با طالبان، مسکو به پاکستان نزدیک شد. در سپتامبر ۲۰۱۶، هفتاد نفر از نیروهای ویژه روسی به همراه ۱۳۰ نیروی ویژه پاکستانی، اولین تمرین نظامی مشترک خود را در شمال پاکستان به اجرا گذاشتند. پاکستان از آغاز تأسیس طالبان از آن‌ها حمایت کرد و در حال حاضر، به همین دلیل خواهان همکاری با مسکو است.

ج- روسیه از سوی دولت اسلامی/داعش در افغانستان و خاورمیانه احساس تهدید می‌کند. در سال ۲۰۱۴، دولت اسلامی عراق و شام وارد افغانستان شد. کرملین ترسید که نکند این گروه از شمال افغانستان به سمت آسیای مرکزی و روسیه گسترش پیدا کند. طالبان با دولت اسلامی از زمان ورود آن‌ها در افغانستان در حال جنگ اند. بنابراین، روسیه دست خود را به سوی طالبان دراز کرده است.

د- تریاک افغانستان درد سر دیگری برای مسکو به شمار می‌رود. افغانستان نود درصد از عرضه غیرقانونی مواد مخدر را در سطح جهان به خود اختصاص داده است که بیش‌تر آن در مناطق تحت تسلط طالبان تولید می‌شود. تولیدکننده‌گان مواد مخدر، روسیه را به عنوان راه بزرگ‌ترین بازارهای جهانی، هدف‌گیری کرده‌اند. مصرف مواد مخدر سالانه هفتاد هزار نفر را در روسیه به کام مرگ می‌فرستد. سیاست‌مداران در مسکو اعتقاد دارند که در مبارزه با مواد مخدر، طالبان همکار بهتری نسبت به دولت ملی افغانستان خواهد بود. (شکوری، ۱۳۹۵)

به صورت فشرده می‌توان اذعان داشت که روسیه برای تنظیم سیاست خارجی خود در قبال افغانستان مطابق فرضیات استراتژیک خود عمل می‌کند و براساس آن دستورالعمل، عملیاتی سیاست خارجی خود را می‌سازد. براساس این دستورالعمل، منافع و علایق خود را در افغانستان تعریف می‌کند و در برابر تهدیدهای بالقوه و بالفعلی که از افغانستان متوجه آن کشور می‌شود، اقدام می‌کند. براساس یک بررسی اجمالی، چالش‌ها و فرصت‌های افغانستان در سه طبقه امنیتی، سیاسی و اقتصادی برای روس‌ها قابل تبیین است. در رویکرد سیاسی، روسیه ناظر بر عملکرد غرب به رهبری امریکا و سایر قدرت‌های منطقه‌ای مثل چین، هند، پاکستان و ایران در افغانسان است. در بُعد امنیتی، اوضاع بی‌ثبات افغانستان تهدید جدی برای روسیه به شمار می‌رود. ناکامی افغانستان در فرایند دولت – ملت‌سازی زمینه‌ساز برای این تهدید به شمار می‌رود. افزون بر آن، ظهور داعش در افغانستان تهدید بزرگ‌تر از طالبان برای روسیه و منطقه به شما می‌ورد و روسیه به دنبال بهره‌برداری از تاکتیک شر علیه شر است. حمایت از یک گروه تروریستی، یعنی طالبان در مقابل گروه تروریستی دیگر، یعنی داعش در صدر برنامه راهبردی روسیه در افغانستان قرار دارد. در بُعد اقتصادی، روسیه خواهان حضور و فعالیت بیش‌تر در بازار اقتصادی افغانستان است. برای رسیدن به این غایت، مسکو در عرصه بازسازی و نوسازی افغانستان نقش ملموس داشته است.

منبع‌ها

- سجاد پور، سید محمد کاظم و جهانبخش، متقتی (۱۳۹۶)، بررسی پیوند میان کد و ژنوم در سیاست خارجی روسیه و افغانستان، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۹، صص ۳۳-۳۶.
- شکری، شهاب‌الدین (۱۳۹۵)، روسیه و افغانستان جدید؛ از مقابله با طالبان تا رابطه با آن، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، صص ۷-۱۲.



جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

799 788 788 (93) + / 510 175 700 (93) +

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com

0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سئو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، گویایی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر

تهیه غذاهای با کیفیت با نازل ترین قیمت
برای محافل رسمی و شخصی



آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است.

آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب‌ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارایه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی

شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

• کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

آشردلیذیر

یک بار امتحان کنید
بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابہ مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه
محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی
شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸



مقدمه

منازعات زمانی که از درون بررسی می‌شود، در مقایسه با مشاهده آن از خارج، بسیار مغلق تر است. موافقت‌نامه‌های صلح کلمبیا، سریلانکا، ایرلند شمالی و تاجیکستان نمونه‌های خوبی از تلاش‌های مستمر کشورها برای ختم منازعات مسلحانه و رسیدن به صلح پایدار است. در این نوشته کوتاه، آنچه از مرور مندرجات این موافقت‌نامه‌ها از نقطه نظر محتوا، نکات مثبت و منفی، امکان سنجی موفقیت و ترتیب ماهوی و شکلی آن حاصل شده است، با تمرکز بر مذاکرات صلح افغانستان ارایه می‌شود. در اخیر نوشته، پیشنهاد چند، به منظور بهبود روند مذاکرات افغانستان و عقد یک موافقت‌نامه همه‌جانبه صلح میان جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان نیز ذکر خواهد شد.

ادامه جنگ، بهای شکست مذاکرات صلح

موافقت‌نامه‌های صلح کلمبیا، سریلانکا، ایرلند شمالی و تاجیکستان، مثال‌هایی در مورد امکان موفقیت مذاکرات صلح افغانستان، ایجاد انگیزه و تعهد، طرح‌ریزی ایده‌های جدید و زبان مشترک و صلح‌جویانه طرفین برای رسیدن به صلح را ارایه می‌دارد. جریان مذاکرات صلح این کشورها توأم با تشدید جنگ و فشارهای سیاسی و اقتصادی بود و هربار شکست مذاکرات وسعت یافتن درگیری‌ها و ادامه جنگ را در پی داشته است. این موافقت‌نامه‌ها نکات مثبت زیادی دارد. یکی از نکات مثبت آن، محتوای شامل و غنی آن است. مسایل عمده‌ای که در این موافقت‌نامه‌ها، روی آن توافق صورت گرفته، عبارت است از: آجندای محدود و قابل مطالبه، در نظر گرفتن زمان لازم برای انجام مذاکرات و امضای موافقت‌نامه، عدالت انتقالی، اصلاحات فراگیر روستایی، مشارکت سیاسی، اصلاحات در روش و پروسه انتخابات، تعیین ساحات خاص در نتیجه پروسه صلح، خاتمه بخشیدن به جنگ در دو مرحله آتش‌بس دو جانبه موقتی و قطعی، متارکه دشمنی‌ها و دست برداشتن از جنگ، توافق روی جزئیات ادغام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گروه‌های مخالف و خلع سلاح جنگ‌جویان. این‌ها همه مسایلی است که در مذاکرات صلح افغانستان نیز مطرح خواهد شد.

طبق موافقت‌نامه صلح کلمبیا و سریلانکا، برای تضمین امنیتی و مبارزه مشترک با گروه‌های جنایی، یک کمیسیون مشترک امنیتی تشکیل شد که در آن نماینده‌گان سازمان ملل متحد نیز عضویت داشتند. تشکیل چنین کمیسیونی برای زمینه‌سازی تطبیق تعهدات طرفین، ارزش ویژه‌ای دارد. در بعضی از این موافقت‌نامه‌ها مثل موافقت‌نامه صلح کلمبیا، برای رسیده‌گی به پرونده‌های اعضای گروه‌های مخالف، واحد خاص قضایی به‌نام (محکمه صلح) تشکیل شد که این خود اقدام در خور ستایش برای تامین عدالت انتقالی شمرده می‌شود.

موافقت‌نامه‌های صلح کلمبیا، سریلانکا، ایرلند شمالی و تاجیکستان بعضی از نکات ضعف نیز داشت که باید در موافقت‌نامه صلح افغانستان از بروز آن جلوگیری شود. مثلاً، در موافقت‌نامه صلح کلمبیا دو نکته را می‌توان به عنوان نکات عمده ضعف، بررسی کرد: انجام گفت‌وگو بدون آتش‌بس و ملاقات طرفین تنها در خارج از کشور. این نکات باعث شد که افراد زیادی حتا در جریان مذاکرات صلح کشته شوند و گفت‌وگوها بر اثر تداوم کشتارها، اختطاف‌ها و اختلافات در مورد جزئیات آتش‌بس شکست بخورد. درس‌هایی که می‌توان از این موافقت‌نامه‌ها آموخت، تطبیق آن بسته‌گی به شرایط گفت‌وگوی دوجانبه میان جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان، علل جنگ افغانستان و بافت سیاسی و اجتماعی جامعه ما دارد.

هدف موافقت‌نامه و بحث حکومت موقت

به استثنای موافقت‌نامه سریلانکا که هدف آن برقراری آتش‌بس بود، در موافقت‌نامه‌های صلح کلمبیا، ایرلند شمالی و تاجیکستان، هدف طرفین ختم منازعه بود. در هیچ یکی از این موافقت‌نامه‌ها بحث ایجاد حکومت موقت مطرح نشد و طرفین با قبول نوع نظام حاکم کشور مربوطه، فقط روی جزئیات مشارکت سیاسی، توزیع قدرت و خاتمه بخشیدن به درگیری‌ها موافقه کردند.

اصول بنیادین مذاکرات صلح

در حالی که در مذاکرات صلح افغانستان چالش عمده این روند، عدم حاصل شدن توافق روی اصول کاری نشست‌ها، کارشیوه و آجندای مذاکرات صلح بوده است. بعد از یک مطالعه عمیق می‌بینیم که در مذاکرات صلح کلمبیا، ایرلند شمالی، تاجیکستان و سریلانکا بحث تعیین کارشیوه و اصول کاری نشست‌ها آن قدر قابل بحث و دلیل کندی این روند نبود. اما مانند افغانستان توافقی روی آجندادر مذاکرات این کشورها نیز یکی از اولین و در واقع بنیادی‌ترین اصل برای آغاز مذاکرات صلح محسوب می‌شد که نسبت به سایر مسایل توافق روی آن نسبتا زمان‌گیر و پرچالش بوده است. در مذاکرات چهار کشور فوق، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از چهار اصل ذیل تبعیت شده است:

۱. شروع مذاکرات با یک دوره تماس‌های محرمانه برای

آنچه از موافقت‌نامه‌های صلح کلمبیا، سریلانکا، ایرلند شمالی و تاجیکستان می‌آموزیم

توافق بر سر آجندا؛

۲. برگزاری گفت‌وگوها در خارج از کشور و دور از نظارت رسانه‌ها و دید عامه؛

۳. تضمین حضور نماینده‌گان نظامیان در میز مذاکرات؛

۴. تضمین حمایت منطقه‌ای و جهانی. چنین تضمینی در موافقت‌نامه صلح تاجیکستان از سوی روسیه، در موافقت‌نامه صلح کلمبیا از سوی دو کشور همسایه آن ونزوئلا و اکوادور و در موافقت‌نامه صلح سریلانکا از سوی ناروی بر عهده گرفته شد.

با بررسی چهار اصل فوق، در می‌یابیم که در مذاکرات صلح میان جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان تا هنوز با گذشت چندین ماه از آغاز این روند، روی اصل اول (تعیین آجندای مذاکرات صلح) توافق حاصل نشده است و طرفین تا حال تنها مسایل پیشنهادی خویش را برای شامل‌سازی در آجندای مذاکرات با یک‌دیگر شریک ساخته‌اند. ظاهراً طالبان کسب حمایت کشورهای منطقه و سفر به کشورهای پاکستان، ایران و روسیه را بر آغاز مذاکرات با جانب جمهوری اسلامی افغانستان اولویت می‌دهند و در واقع شروع مذاکرات را یک امر پیش پا افتاده حساب می‌کنند. به همین دلیل، مذاکرات صلح افغانستان تا هنوز به صورت جدی آغاز نشده است. در رابطه به اصل چهارم باید گفت که مذاکرات و موافقت‌نامه احتمالی صلح جمهوری اسلامی افغانستان با گروه طالبان، مانند مذاکرات صلح کشورهای دیگر، نیازمند حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی است که در این اواخر کشورهای مختلف به شمول امریکا و روسیه حمایت خویش را از این روند اعلام کرده‌اند و انتظار می‌رود با آغاز مذاکرات صلح افغانستان، حمایت منطقه‌ای و جهانی آن نیز افزایش یابد.

ترتیب محتوا و راهکارهای اعتمادسازی

در موافقت‌نامه‌های ایرلند شمالی و کلمبیا، شش مسأله یکی پس از دیگری مطرح و روی آن بحث صورت گرفت. با این تفاهم که «هیچ توافقی نخواهد شد، مگر آن‌که بر سر همه موارد توافق صورت گیرد». این موضوع تأکید داشت که توافق بر سر جزئیات، به معنای توافق کلی نیست. این اصل در عمل به این مفهوم بود که هم‌زمان با پیش‌رفت گفت‌وگوها، طرفین بیش‌تر به منفعت عدم تعرض و عدم بسیج نیروها پی‌برند.

هم‌چنان، در موافقت‌نامه‌های چهار کشور فوق، راهکارهای اعتمادسازی، مانند آتش‌بس غیررسمی، تطبیق برنامه‌های ماین پاکي، رهایی اسیران خردسال، جست‌وجوی کشته‌شده‌گان و ناپدیدشده‌ها و رهایی زندانیان پیش‌بینی شده است. اگر این راهکارهای اعتمادسازی را در مذاکرات صلح جمهوری اسلامی افغانستان با گروه طالبان مطالعه کنیم، می‌بینیم که تا هنوز روی هیچ یکی از راهکارهای فوق یا راهکارهای مشابه توافق نشده است. البته رهایی پنج هزار زندانی گروه طالبان از جانب حکومت افغانستان بخشی از مفاد موافقت‌نامه دوحه بین ایالات متحده امریکا و گروه طالبان بود که نمی‌توان آن را به عنوان پیش‌رفت در مذاکرات صلح بین‌الافغانی تلقی کرد.

نقش جامعه مدنی

در موافقت‌نامه‌های صلح کلمبیا و سریلانکا، نقش شبکه‌های زنان و جامعه مدنی تعریف و به میان آمدن مقیاس‌های پیش‌بینی شد که براساس آن برنامه‌ها به شکل پروسه‌های تعلیمی، دموکراسی، رهبری اجتماعی و سیاسی برای گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی علاوه خواهد شد. هم‌چنان، در موافقت‌نامه‌های این دو کشور، در پهلوی مقیاس‌های دیگر، روی توسعه حضور و موقف رهبری زنان در پروسه دموکراتیک سیاسی و اجتماعی تأکید شده است. با توجه به الگوی کلمبیا و سریلانکا، موافقت‌نامه صلح افغانستان نیز باید نقش جامعه مدنی و فعالان حقوق بشر را در تکوین آینده سیاسی کشور بازتعریف کند؛ چون آن‌ها برای حاکمیت قانون، دفاع از حقوق بشر، حمایت از مباحث عمومی در حمایت از صلح و نیز میانجی‌گری و کاهش سطح منازعه در جامعه تلاش کرده‌اند. شبکه‌های زنان، نماینده‌گان رسانه‌ها و نهادهای اکادمیک برای ایجاد زمینه گفت‌وگو و زنده نگهداشتن حمایت از صلح کمک کردند و بسیاری از آنان در این راستا قربانی و یا شدیداً مضرر شدند. از این بابت، اگر مانند دو کشور فوق، نقش آن‌ها به رسمیت شناخته شود، بدون شک انعقاد موافقت‌نامه صلح نسبتاً موفق و پایدار تضمین خواهد شد. نکته حایز اهمیت دیگر در موافقت‌نامه‌های صلح کلمبیا، سریلانکا، ایرلند شمالی و تاجیکستان این است که در این موافقت‌نامه‌ها تلاش مشترک برای رفع چالش مواد مخدر، یافتن راه حل برای تجارت غیرقانونی، خرید و فروش اسلحه، مبارزه با گروه‌های جنایی، ایجاد معیشت بدیل، زمینه‌سازی برای انکشاف متوازن و برنامه‌های جبران خسارات جنگ درج شده است. برای موفقیت روند صلح افغانستان، ارایه توضیحات در مورد چالش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فوق نیز امر گریزناپذیر است. جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان باید معضله مواد مخدر، بازارهای سیاه فروش اسلحه و از بین بردن فعالیت‌های گروه‌های مافیایی و جنایی را به کلی حل و فصل کنند و

سکوت موافقت‌نامه صلح در مورد این مسایل مهم، احتمال شکست هرگونه توافق حاصل شده را افزایش خواهد داد. یک سلسله مسایل، مانند ایجاد فرصت‌های معیشت بدیل، انکشاف متوازن و جبران خسارات جنگی برای افراد آسیب‌دیده را تا جایی می‌توان با انکشاف مکانیسم‌ها و طرح برنامه‌های ابتکاری و اشتغال‌زایی درازمدت و حمایت جامعه جهانی حل کرد، اما اغماض از معضل اسلحه غیرقانونی، مواد مخدر و گروه‌های جنایی به هیچ صورت قابل توجیه نخواهد بود.

قربانیان جنگ

مسأله تامین حقوق قربانیان جنگ نیز بحث مهم موافقت‌نامه‌های صلح کلمبیا، ایرلند شمالی و تاجیکستان است. در این مورد، در متن موافقت‌نامه‌های یادشده سیستم‌ها و مکانیسم‌های فراگیر و موثر پیش‌بینی شده و تأیید و حل مشکلات قربانیان جنگ، منحیث قسمت لازمی هر توافق‌نامه صلح فوق‌الذکر خوانده شده است. از جمله می‌توان تشکیل (کمیسیون حقیقت‌یابی، هم‌زیستی و عدم بازگشت به جنگ) در فصل ششم موافقت‌نامه صلح کلمبیا، تشکیل (کمیسیون مشترک مصالحه و قربانیان خشونت) در فصل ششم موافقت‌نامه صلح ایرلند شمالی و ایجاد (مجمع خاص برای برنامه کمک‌های مالی به مهاجرین، بی‌جاشده‌گان و معلولان) در اولین سند موافقت‌نامه صلح تاجیکستان را نام برد.

آیا درگیری‌ها پایان یافت؟

سوالی مهمی که به ذهن خواننده بروز می‌کند، این است که آیا انعقاد موافقت‌نامه‌های چهارگانه فوق به معنای واقعی آن به جنگ و خشونت‌ها در این کشورها نقطه پایان گذاشت یا خیر؟

در پاسخ به این سوال باید گفت: توافق‌نامه نهایی صلح کلمبیا به جنگ و درگیری‌هایی که پنج دهه باعث تخریب زیربناهای متعدد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشور شده بود، پایان داد. توافق‌نامه صلح ایرلند شمالی نیز نه تنها آرامش کلی را به این منطقه بازگرداند، بلکه منجر به تشکیل یک دولت ائتلافی بین دشمنان سیاسی – مذهبی دیرینه در این بخش از جزیره ایرلند شد که تا یک سال پیش از آن، تصورش هم دشوار بود. این مسأله در رابطه به تاجیکستان نیز صدق می‌کند؛ اما در سریلانکا، اگرچه طبق موافقت‌نامه، در سال ۲۰۰۲ میلادی بین حکومت سریلانکا و گروه ببرهای تامیل، آتش‌بس برقرار شد، ولی در سال ۲۰۰۶ میلادی ارتش سریلانکا به حملات گسترده علیه مواضع تامیل‌ها دست زد. ارتش سریلانکا بعداً توانست به تدریج بخش‌های عمده‌ای از مناطق تحت تسلط آن‌ها را در اختیار بگیرد. در پی این درگیری‌ها، چهار سال بعد گروه ببرهای تامیل به شکست کامل مواجه شد. پس گفته می‌توانیم که موافقت‌نامه آتش‌بس سریلانکا، به جای این‌که منحیث وسیله رسیدن به صلح از آن استفاده شود، بیش‌تر حیثیت یک خدعه یا ترغند از جانب حکومت سریلانکا را داشت.

نتیجه‌گیری؛ آنچه برای مذاکرات صلح افغانستان آموختیم

موافقت‌نامه‌های صلح کلمبیا، سریلانکا، ایرلند شمالی و تاجیکستان به ما می‌آموزاند که نیاز است برای تامین صلح، اجماع درونی و اراده سیاسی شکل بگیرد. به این معنا که هر دو طرف منازعه باید انعطاف‌پذیر باشند. صلح یک بازی برد برد است؛ یعنی این‌که هر دو طرف باید چیزهایی را از دست بدهند تا به صلح برسند. برعلاوه این، هرچه زودتر، روی یک آجندای مشخص توافق شود، این مسأله اغلب در مذاکرات صلح افغانستان جنجال برانگیز شده است و تداوم اختلافات روی آجندا باعث کندی این روند و تشدید درگیری‌ها می‌گردد. نکته دیگری که حایز اهمیت است، متن توافق‌نامه است. به عنوان مثال، نسخه اول موافقت‌نامه صلح میان گروه فارک و حکومت کلمبیا چیزی حدود ۳۵۰ صفحه بود که قرار گفته‌ها در نهایت حجم آن کم‌تر شد. اما این خود به جزئیاتی که هر دو طرف به آن پرداخته‌اند، اشاره می‌کند. باید جانب جمهوری اسلامی افغانستان نیز در مذاکرات صلح با گروه طالبان، به اندک‌ترین موضوع مورد توجه دو طرف بپردازد و بالای آن توافق صورت گیرد. برای موفقیت در مذاکرات، جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان باید یک‌دیگر را به عنوان شریک مناسب در راستای راه حل ختم جنگ به رسمیت بشناسند. تعهد واضح برای پایان دادن به درگیری به تیم‌های مذاکره‌کننده در کلمبیا کمک کرد تا در شرایط دشوار کار را ادامه دهند.

در پی انعقاد موافقت‌نامه صلح (صلح‌سازی)، افغانستان وارد مرحله اعمار صلح می‌شود و در این مرحله جامعه افغانی نیازمند اصلاحات جامع و فراگیر است. این اصلاحات باید در سراسر کشور انجام شود. مخصوصاً، اصلاحات روستایی باعث تغییرات مثبت در وضعیت عمومی زنده‌گی مردم می‌شود، حضور دولت را در آن مناطق تقویت می‌بخشد، متضمن بازسازی زیربناها و رفاه اقتصادی مردم در روستاها می‌شود و مردم را از محصولات غیرقانونی و فعالیت‌های



شمس‌الحق حیران

اقتصادی نامشروع دور نگه می‌دارد. عملی ساختن این روند به سطح ملی باید بیش‌تر در ساحاتی که مردم آن از جنگ آسیب دیده‌اند، متمرکز شود. برنامه‌هایی چون تطبیق برنامه‌ها و استراتژی چارچوب صلح و انکشاف ملی افغانستان (ANPDF) که هدف آن از میان بردن و کاهش فقر تا حداقل ۵۰ درصد است، باید در سطح ملی عملی شود. این برنامه‌ها باید بیش‌تر روی بازسازی زیربناها، مانند اعمار سړک، تامین برق و فراهم‌سازی خدمات انترنتی تأکید داشته باشد و تمامی ولایات افغانستان را به پروژه فایبر نوری وصل کند. در جریان این اصلاحات، سیستم آبیاری نیز برای مردم مناطق جنگ‌زده کشور فراهم شود. در کنار آن، به منظور پیش‌رفت اجتماعی و علمی، برنامه‌های آموزش صلح، برنامه‌هایی برای انکشاف سکتورهای صحت عامه، معارف، تهیه مسکن و زراعت باید در نظر گرفته شود. هم‌چنان، به منظور توسعه اقتصاد مردم روستایی، برنامه‌های باید تطبیق شود که طی آن، برای محصولات دهقانان و صنعت‌کاران، بازار فروش فراهم گردد. در قدم بعدی باید با در نظرداشت فرصت‌های سرمایه‌گذاری و فعال‌سازی پارک‌های صنعتی یک برنامه جامع به منظور استفاده از زمین‌های قبل زرع و غیرقابل زرع طرح شود که طی آن برای افرادی که در نتیجه موافقت‌نامه صلح از جنگ دست بر می‌دارند و به زنده‌گی عادی خود بر می‌گردند، زمین به صورت منصفانه جهت ایجاد فرصت‌های معیشت بدیل توزیع شود. برنامه خلع سلاح باید طوری عملی گردد که در نخست مقدار مواد منفجره، اسلحه و مهماتی که در نزد گروه طالبان موجود است، تثبیت گردد و بعداً این مقدار اسلحه و مهمات در حضور هیأت سازمان ملل متحد، به حکومت افغانستان تسلیم داده شود، تا اطمینان حاصل گردد که گروه طالبان، دیگر یک گروه مسلح غیرقانونی نه، بلکه یک جریان سیاسی قانونی است. هم‌چنان، بعضی از تضمین‌ها و امتیازات سیاسی برای گروه طالبان نیز داده شود که می‌تواند شامل سهم کردن آن‌ها در قدرت سیاسی و آوردن اصلاحات در قانون اساسی طبق توافق دو طرف باشد. یک هیأت جدید به منظور حل مسأله مواد مخدر باید تشکیل شود و این هیأت استفاده و تجارت غیرقانونی مواد مخدر را مورد تحقیق و پژوهش قرار دهد و با کمک دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد (UNODC) و سایر نهادهای ذی‌ربط بین‌المللی، سیستم ملی برای مبارزه با مواد مخدر را انکشاف دهد. یک کمیته عدلی و حقیقت‌یاب باید تشکیل شود و موضوع تأمین حقوق قربانیان جنگ را با ارایه مکانیسم‌های فراگیر و عملی حل کند. در اخیر باید یک کمیته نظارت از تطبیق موافقت‌نامه صلح افغانستان نیز ساخته شود که در آن نماینده‌گان حکومت افغانستان، گروه طالبان و سازمان ملل متحد طبق طرزالعمل و ترکیب توافق شده، حضور داشته باشند.

منبع‌ها

۱. آموزه‌های پروسه‌های صلح برای افغانستان؛ قرارداد کلمبیا و فارک، مارتینا فن بیلرت، شبکه تحلیل‌گران افغانستان: https://www.afghanistan-analysts.org/dari-pashto/reports/war-and-peace

۲. مروری بر موافقت‌نامه‌های صلح کلمبیا، سریلانکا، ایرلند شمالی و تاجیکستان؛ وزارت دولت در امور صلح، سال چاپ ۱۳۹۹ خورشیدی، کابل، افغانستان.

۳. موافقت‌نامه صلح کلمبیا:

https://www.peaceagreements.org/wview/1845/Final%20Agreement%20to%20End%20the%20Armed%20Conflict%20and%20Build%20a%20Stable%20and%20Lasting%20Peace

۴. موافقت‌نامه صلح سریلانکا:

https://www.usip.org/sites/default/files/file/resources/collections/peace_agreements/sri_lanka_norwaypr02222002.pdf

۵. موافقت‌نامه صلح ایرلند شمالی:

https://peacemaker.un.org/sites/peacemaker.un.org/files/IE%20GB_980410_Northern%20Ireland%20Agreement.pdf

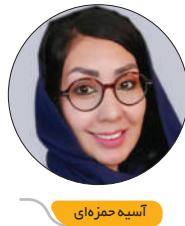
۶. موافقت‌نامه صلح تاجیکستان:

https://www.wiltonpark.org.uk/wp-content/uploads/tajikstan-peace-process.pdf

7. Thomas Rutting, getting to the Steering Wheel: President Ghani’s new set of peace proposals, The Afghanistan Analysts Network, 4th December 2018, see it online: https://www.afghanistan-analysts.org/getting-to-the-steering-wheel-president-ghanis-new-peaceproposals/
8. United Nations Assistance Mission in Afghanistan, Afghanistan: Protection of Civilians in Armed Conflict (Annual Report 2017), Feb 2018, Kabul, see it online: https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_annual_report_2017_final_6_march.pdf

زنده‌گی پناهجویی در کمپ‌های یونان؛

روایت تلخ سفر خانواده فریدون از تهران تا موريا



آسيه حمزه‌ای



بيستم سنبله ۱۳۹۸ روز حرکت به طرف ترکیه بود. در نزدیکی مرز ترکیه، قاچاقبر برای ساعتی آن‌ها را در پناهگاهی وحشتناک و طولیله‌وار مخفی کرد و سپس گفت: «زنان و اطفال جدا شوند و پیش‌تر حرکت کنند، مردان هم از راه دیگر بروند تا پولیس ترکیه نفهمد.» در حالی که فقط یک مایل پیش فریدون بود، از خانواده‌اش جدا شد. همسر و فرزندان‌ش وارد خاک ترکیه شدند، اما فریدون در دام پولیس سرحدی افتاد. به گفته خودش: «پولیس بی‌رحمانه ما ره ضرب‌وشتم می‌کرد، برخی را زندانی و من را دوباره به ایران دیپورت کرد.» او روزهای دشواری را سپری می‌کرد. خانواده‌اش نه مایلی داشتند و نه امکاناتی که با او تماس بگیرند و او هم هیچ خبری از آن‌ها نداشت. ۲۰ روز زمان برد تا فریدون توانست دوباره چانسش را امتحان کند و وارد خاک ترکیه شود. مرحله بعد، گذر از خاک ترکیه به یونان بود. این مرحله آن‌چنان ساده نبود. چندین بار تلاش کرد و موفق نشد تا آن‌جا که حدود چهار ماه را به دلیل عبور غیرقانونی، در زندان‌های ترکیه سپری کرد. در تمامی این مدت هیچ خبری از همسر و فرزندان‌ش نداشت. نه شماره‌ای داشت و



کمپ موريا یکی از بزرگ‌ترین کمپ‌های پناهجویی یونان است که البته شرایط بسیار دشواری برای زنده‌گی پناهجویان دارد. فریدون می‌گوید: «تصورش را بکنید که کمپ موريا دو هزار و ۵۰۰ نفر گنجایش دارد، اما ۲۶ هزار نفر از کشورهای مختلف از جمله افغانستان، ایران، اتیوپی، سودان، نایجریا، سومالیا، سودان و کامرون باهم زنده‌گی می‌کنند. زنده‌گی زیر خیمه بدون هیچ امکانات ابتدایی گرمایشی و سرمایشی در زمستان و تابستان. صبح‌ها یک کیک و یک گیلایس آب می‌دهند و شب‌ها یک تخم مرغ و یک بادنجان رومی. امکانات بهداشتی وجود ندارد و پولیس در نزاع‌های جمعی هرگز مداخله نمی‌کند. زنان و اطفال و حتا مردان در ناامن‌ترین حالت ممکن به سر می‌برند. دزدی‌ها و مشکلات اجتماعی در اوج خود وجود دارد.»

نه تلفنی. خانواده‌اش هم در سفر طولانی‌مدت به آن، معلوم نبود به کجا رسیده‌اند. فقط قاچاقبر به او گفته بود که خانواده‌ات را به کمپ موريا رسانده‌ایم و همین!

صحت‌هایش را با سوالی شروع می‌کند، می‌پرسد: «گاهی برخی خود ره به جای دیگری می‌گذارند و قضاوت می‌کنند، چرا؟ زنده‌گی کدام ما شبیه یک‌دیگر است که یک نسخه برای آن می‌نویسیم؟

هیچ‌کس از خوشی و آرامش فرار نمی‌کند و هر کی، هر تلاشی می‌کند، برای رسیدن به آرامش است، اما وقتی از شرایط خود در کمپ‌های یونان روایت می‌کنیم، شماری جز قضاوت و ملامت چیز دیگری نمی‌گویند. چرا برخی حتا فکر نمی‌کنند کسی که جان خود و خانواده‌اش را کف دستش گذاشته و مرگ را به جان خریده، علت دارد؟ از زنده‌گی سیر آمده و دنبال جایی دیگر برای شروع زنده‌گی دوباره است.»

فریدون ۴۳ ساله که همراه همسر و سه فرزندش، بیش از ۱۲ ماه است که در کمپ‌های جزایر یونان زنده‌گی می‌کند، از شرایط دشوارش می‌گوید، از این‌که چرا به یونان رفت و چه خطرهایی را به جان خرید. او سه ساله بود که خانواده‌اش به دلیل آغاز نامنی و وضعیت سیاسی پیچیده از لشکرگاه هلمند به ایران مهاجرت کردند. شرایط مهاجرت در ایران دشوار بود، از رفتار غیرانسانی پولیس گرفته تا نگاه تحقیرآمیز مردم.

بعد از چهار دهه، ماندن برای فریدون در ایران امکان‌پذیر نبود. او می‌گوید: «خودم به هر صورت، دگه تاب اهانت به اطفالم ره د مکاتب نداشتم. در ایران افغانی بودن، انگار جرم است. بعد از چهار دهه حضور هنوز به دید انسان به یک مهاجر افغان نگاه نمی‌کنند. حاضر شدم جانم را کف دستم بگذارم، اما در ایران نمانم. یک روز اطفالم با چشم گریان از مکتب می‌آمدند و می‌گفتند: پدر چرا ما افغانی استیم که سر ما ریشخند می‌زنند؟ یک روز خودم توسط کارفرما توهین می‌شدم و روزی دیگر همسرم در جامعه.»

فریدون تصمیمش را گرفت. بعد از تحقیق از آشنایان و مهاجران دیگر، با یک قاچاقبر صحبت کرد و قرار شد قاچاقی خانواده پنج نفره‌اش از تهران به مقصد کمپ موريا در لیسوس یونان بروند. مقدمات انجام شد و بیستم سنبله ۱۳۹۸ روز حرکت به طرف ترکیه بود. در نزدیکی مرز ترکیه، قاچاقبر برای ساعتی آن‌ها را در پناهگاهی وحشتناک و طولیله‌وار مخفی کرد و سپس گفت: «زنان و اطفال جدا شوند و پیش‌تر حرکت کنند، مردان هم از راه دیگر بروند تا

فریدون ۴۳ ساله که همراه

همسر و سه فرزندش، بیش از

۱۲ ماه است که در کمپ‌های

جزایر یونان زنده‌گی می‌کند، از

شرایط دشوارش می‌گوید، از

این‌که چرا به یونان رفت و چه

خطرهایی را به جان خرید. او سه

ساله بود که خانواده‌اش به دلیل

آغاز نامنی و وضعیت سیاسی

پیچیده از لشکرگاه هلمند به

ایران مهاجرت کردند. شرایط

مهاجرت در ایران دشوار بود، از

رفتار غیرانسانی پولیس گرفته تا

نگاه تحقیرآمیز مردم.

پولیس ترکیه نفهمد.» در حالی که فقط یک مایل پیش فریدون بود، از خانواده‌اش جدا شد. همسر و فرزندان‌ش وارد خاک ترکیه شدند، اما فریدون در دام پولیس سرحدی افتاد. به گفته خودش: «پولیس بی‌رحمانه ما ره ضرب‌وشتم می‌کرد، برخی را زندانی و من را دوباره به ایران دیپورت کرد.» او روزهای دشواری را سپری می‌کرد، خانواده‌اش نه مایلی داشتند و نه امکاناتی که با او تماس بگیرند و او هم هیچ خبری از آن‌ها نداشت. ۲۰ روز زمان برد تا فریدون توانست دوباره چانسش را امتحان کند و وارد خاک ترکیه شود. مرحله بعد، گذر از خاک ترکیه به یونان بود. این مرحله آن‌چنان ساده نبود. چندین بار تلاش کرد و موفق نشد تا آن‌جا که حدود چهار ماه را به دلیل عبور غیرقانونی، در زندان‌های ترکیه سپری کرد. در تمامی این مدت هیچ خبری از همسر و فرزندان‌ش نداشت. نه شماره‌ای داشت و نه تلفنی. خانواده‌اش هم در سفر طولانی‌مدت به آن، معلوم نبود به کجا رسیده‌اند. فقط قاچاقبر به او گفته بود که خانواده‌ات را به کمپ موريا رسانده‌ایم و همین!

در آخرین تلاش فریدون برای عبور از مرکز ترکیه و وارد شدن به خاک یونان، گروهی ۴۵ نفره قرار شد در قایق بادی کوچکی خود را جای دهند و از طریق دریای مدیترانه به یونان برسند. قاچاقبر گفت و اعلان کرد: «وسایل اضافی خود در آب پرتین، وزن قایق ره سنگین نکنین. متوجه باشین که پیش از شما یک قایق با ۶۴ نفر مسافر غرق شد.» اضطراب سراپای وجود همه مسافران را گرفته بود. فریدون به مردی فکر می‌کرد که در مرز ترکیه همراهش بود و از سرما جان باخت، به کاکایش که سال ۲۰۱۶ در همین دریا غرق شد و خانواده‌اش تا ابد به سوگش نشستند، به همسر و فرزندان‌ش فکر می‌کرد که کجا هستند و در این راه سخت چه می‌کنند.



وارد قایق بادی شدند. هنوز مسافتی را نرفته بودند که کسی متوجه سوراخی در قایق شد. ترس بود و ترس. دوباره به ساحل آمدند و قایق را تبدیل کردند. این بار قرعه چانس به نام فریدون افتاد و به سلامت وارد خاک یونان شد. پنج ماه از آن شبی که در مرز ترکیه از خانواده‌اش جدا شده بود، گذشته بود، پنج ماه بی‌خبری محض. وارد لیسوس و کمپ موريا شد.

کمپ موريا یکی از بزرگ‌ترین کمپ‌های پناهجویی یونان است که البته شرایط بسیار دشواری برای زنده‌گی پناهجویان دارد. فریدون می‌گوید: «تصورش را بکنید که کمپ موريا دو هزار و ۵۰۰ نفر گنجایش دارد، اما ۲۶ هزار نفر از کشورهای مختلف از جمله افغانستان، ایران، اتیوپی، سودان، نایجریا، سومالیا، سودان و کامرون باهم زنده‌گی می‌کنند. زنده‌گی زیر خیمه بدون هیچ امکانات ابتدایی گرمایشی و سرمایشی در زمستان و تابستان. صبح‌ها یک کیک و یک گیلایس آب می‌دهند و شب‌ها یک تخم مرغ و یک بادنجان رومی. امکانات بهداشتی وجود ندارد و پولیس در نزاع‌های جمعی هرگز مداخله نمی‌کند. زنان و اطفال و حتا مردان در ناامن‌ترین حالت ممکن به سر می‌برند. دزدی‌ها و مشکلات اجتماعی در اوج خود وجود دارد.»

در میان آن جمعیت، خبری از خانواده‌اش نبود، تا این‌که یک روز اتفاقی در کمپ موريا فرزندش را دید. لحظه عجیبی بود. چندین ماه سپری شده بود و بعد از آن‌همه دشواری و در دل مشکلات جدید،

اعضای خانواده دوباره گرد هم جمع شدند. زنده‌گی زیر خیمه سخت بود، سخت‌تر آن روزی بود که پیش چشمان فریدون و خانواده‌اش، کمپ آتش گرفت، خیمه‌ها سوخت و کودکی هشت ساله در میان شعله‌های آتش با زنده‌گی وداع گفت. بعد از سپری کردن پنج ماه در موريا، به دلیل وضعیت رقت‌بار کمپ، تصمیم به جابه‌جایی گرفت. با خانواده‌اش به کمپ مالاکاسا در ۵۰ کیلومتری شهر آتن رفت. هرچند کمپ مالاکاسا نیز وضعیت مطلوبی ندارد، اما از جهاتی بهتر است. گنجایش این کمپ ۱۲۰۰ نفر است، اما بیش از دو هزار نفر که اغلب آن‌ها را پناهجویان افغان تشکیل می‌دهند، در این کمپ زنده‌گی می‌کنند.

یکی از عمده‌ترین مشکلات پناهجویان این است که اغلب حتا پس از یک‌وینیم سال اقامت در این کمپ‌ها فاقد اسناد هویتی به نام «سه‌برگه» هستند و این یعنی عدم برخورداری از هیچ امکاناتی. برخی در این کمپ‌ها بیش از پنج سال است که سرگردان‌اند و حتا هنوز فرصت مصاحبه به آنان داده نشده است. فریدون که خانواده‌اش در سال ۲۰۱۹ و خودش چندین ماه بعد در اوایل ۲۰۲۰ وارد این کمپ‌ها شده، در وضعیت نامشخصی به سر می‌برند، به گونه‌ای که گفته می‌شود ممکن زمان مصاحبه آن‌ها پس از سال ۲۰۲۳ باشد.

او وقتی شرایط را این‌گونه می‌بینید و از سوی دیگر وضعیت اطفال خود و دیگر کودکان بی‌سرنوشت و سرگردان در کمپ مالاکاسا را ارزیابی می‌کند، تصمیم به راه‌اندازی مکتبی در کمپ می‌گیرد. با همکاری همسر و برخی دوستانش و با حمایت سازمان جهانی مهاجرت (آی‌اوام) اقدام به تهیه کانکس و راه‌اندازی مکتب با ۳۰ شاگرد و دو صنف درسی می‌کند. بعدها با حمایت نهادهای خارجی و اهدای قرطاسیه و تجهیزات ابتدایی آموزشی، این روند گسترش یافته و در حال حاضر فریدون بعد از هشت ماه اقامت در این کمپ، توانسته مکتبی با چند صد شاگرد را مدیریت کند که این در نوع خود برای رهایی کودکان از دام سرگردانی و بی‌سرنوشتی در کمپ‌های یونان، تحسین‌برانگیز است.

او می‌گوید: «از فردا خبر ندارم که چه می‌شود، اما روزهای بسیار سختی سپری کردم. ما در وضعیت نامشخصی مانده‌ایم، چیزی شبیه بی‌سرنوشتی در سایه مرگ. حتا امور اداری ما بسیار کند پی‌گیری می‌شود. معلوم نیست تا چه مدت این‌جا ماندنی هستیم، اما راه‌اندازی این مکتب حالم را خوب می‌کند. حداقل کاری است که توانسته‌ام انجام بدهم که کودکان کمپ به جای بازی در میان فاضلاب‌ها و خاک‌ها، در کانکس درس بخوانند و گاهی ورزش بکنند.»

فریدون می‌گوید: «آواره‌گی یعنی اجبار... چه می‌شود کرد؟»

شماری از کارمندان مستعفی یا برکنار شده اداره ارگان‌های محلی، از «برخورد سلیقه‌ای» و «تبعیض قومی» در این اداره شکایت دارند. آنان می‌گویند که شمیم‌خان کنوازی، رییس اداره مستقل ارگان‌های محلی، پس از عهده‌دار شدن ریاست این اداره، با کارمندان «غیرپشتون» برخورد تبعیض‌آمیز دارد و در مواردی نیز شماری را توسط افراد نزدیکش جایگزین کرده است. این کارمندان ادعا دارند که افزون بر برخورد سلیقه‌ای در جریان استخدام‌ها، سطح تحصیل و تجربه کاری کارمندان در این اداره نادیده گرفته می‌شود و بیش‌تر کارمندان از پکتیا و پکتیکا انتخاب می‌شوند. به گفته این کارمندان، رهبری اداره ارگان‌های محلی شماری از ریيسان و کارمندانی که مدرک ماستری و دکترا دارند را برکنار و لیسانس‌ها را جایگزین‌شان کرده است. این در حالی است که به گفته آنان، رییس اداره ارگان‌های محلی به کسانی که پشتو بلد نیستند، فرصت دیدار را نمی‌دهد و حتا در مواقعی به دلیل ناتوانی در ارایه «پرزنتیشن»، کنفرانس با نماینده‌گان سازمان‌های بین‌المللی را لغو کرده است. اداره مستقل ارگان‌های محلی اما این ادعاها را رد می‌کند و می‌گوید که رهبری این اداره کارمندانش را براساس «اصل شایسته‌سالاری» استخدام کرده است. به گفته مسوولان، اداره مستقل ارگان‌های محلی تنها اداره‌ای است که ترکیب قومی و جندر در آن در نظر گرفته شده است.

یلدا رویان، سرپرست پیشین ریاست انسجام و ارتباط با ولایات اداره مستقل ارگان‌های محلی به تازه‌گی از کار در این اداره استعفا داده است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح دلیل استعفایش را تصفیه قومی، به حاشیه رانده شدنش در این اداره و محدود ساختن صلاحیت‌های قانونی‌اش عنوان کرد. بانو رویان گفت، از زمانی که شمیم‌خان کنوازی به حیث رییس این اداره منصوب شده، بیش‌تر کارمندان غیرپشتون را از ساختار این اداره حذف کرده است. طبق گفته‌های او، کنوازی یک تعداد کارمند «هزاره» این اداره را از وظایف‌شان تبدیل، برکنار یا هم به حاشیه رانده و صلاحیت‌های‌شان را محدود کرده است. او ادعا دارد که در میان سایر کارمندان، صلاحیت‌های او نیز از سوی این اداره محدود شده بود.

سرپرست پیشین ریاست انسجام و ارتباط با ولایات اداره ارگان‌های محلی می‌گوید که هرچند در این پُست

اتهام تصفیه قومی و برخورد سلیقه‌ای؛ در اداره ارگان‌های محلی چه می‌گذرد؟

وظیفه اجرا می‌کرد، اما در همه نشست‌ها، او را دخیل نمی‌کردند. یلدا رویان افزود در همه نشست‌ها که مربوط به جندر و ولایات بوده است، تنها کنوازی و افراد نزدیک به خودش حضور داشته‌اند. به گفته او، کارمندانی که مسوول این بخش بوده‌اند، نیز به حاشیه رانده شده‌اند. علاوه بر این، سرپرست مستعفی ریاست انسجام و ارتباط با ولایات در اداره ارگان‌های محلی یادآور شد که در تفرری‌های کارمندان نیز به نظر ریيسان اداره توجه نمی‌شود و کارمندانی که استخدام می‌شوند، از ولایات پکتیکا و پکتیا هستند.

او به عنوان نمونه به تفرری «اسدالله» به جای «نقیب‌الله» اشاره کرد و گفت آقای کنوازی بدون در نظر گرفتن دیدگاه او، یکی از کارمندانش را بدون کدام دلیل برکنار و به جایش دیگری را مقرر کرده است. بانو رویان گفت: «به تازه‌گی یک کارمند را معرفی کردند که ما در مورد سطح تحصیل و تجربه کاری‌اش چیزی نمی‌دانستیم. اصلا موافقه ما را در نظر نمی‌گرفت. من گفتم که کارمند قبلی‌ام چرا برکنار می‌شود، دلیل آن را بگوید. من ظرفیت‌سازی کردم و تا این کارمند نو جابه‌جا می‌شود وقت می‌گیرد، حالی باید پس از صفر شروع کنم.» او ادامه داد و گفت که هرچند کنوازی خودش کدام واکنش در این مورد نشان نداد، اما سکرترش به بانو رویان گفته است که موافقه او شرط نیست و باید کارمند معرفی شده کارش را آغاز کند.

بانو رویان هم‌چنان اظهار داشت که قرار بود باری جرگه مشورتی برگزار شود و مسوولیت و کارهای این جرگه مربوط ریاست او می‌شد، اما آقای کنوَزای مسوولیت آن را به ریاست مورد نظر خودش سپرده است. او از این کار کنوازی انتقاد کرده و در مورد واگذاری صلاحیت‌های کاری ریاستش به دیگر ریاست وضاحت خواسته است. شمیم‌خان کنوازی در پاسخ به این گفته بانو رویان، از فرار کاری سایر کارمندان یاد کرده و خطاب به وی گفته است که بانو رویان برخلاف دیگران، کار می‌خواهد. او افزود: «کنوازی گفت برو خواب کو. ببین مه زمانی که به اداره مستقل ارگان‌های محلی آمدم، هیچ خوابم پوره نمی‌شود. برایم تعجب‌آور بود. به جای این‌که تشکری کند که علاقمندی کار هستی. می‌گوید برو به جایت بشین، چه می‌کنی کار را.»

در کنار این، بانو رویان رییس دفتر شمیم‌خان کنوازی را به ترور شخصیتش متهم کرد و گفت که رییس دفتر قبلی کنوازی او را آزار می‌داده و ترور شخصیت



کرده است. وی افزود، به رغم این‌که بارها به کنوازی شکایت کرده، اما او هیچ توجهی به این شکایت‌ها نکرده و برعکس حرف‌های رییس دفترش را تأیید می‌کرده است. او گفت که این دلایل سبب شد استعفا دهد. از سوی دیگر بانو رویان به تفرری‌های اخیر در این اداره اشاره کرد و گفت که به جای پنج تن از ریيسانی که برکنار شده‌اند، افراد جدید از یک قوم استخدام شده‌اند. با این حال او یادآور شد، کارمندانی که نتوانند به زبان پشتو حرف بزنند، قادر به دیدار کنوازی نیستند. از جانب دیگر وی کنوازی را به ناتوانی متهم کرد و گفت چندباری خواسته است آقای کنوازی را با نماینده‌گان جامعه بین‌المللی وصل کند و از آن‌جایی که تجربه کاری در این بخش را داشته، خواسته است یک کنفرانس با این نماینده‌گان ترتیب دهد. اما او افزود، با وجودی که این کنفرانس تنظیم و اجندای جلسه نیز مشخص شد، اما شمیم کنوازی این کنفرانس را لغو کرد. او گفت: «زُش خواستم که برنامه‌ها را معرفی کند و بگوید که در کدام قسمت نیاز به حمایت داریم. کنوازی توان همی ره نداشت که پرزنتیشن ارایه کند و حمایت‌شان را جلب کند. کنفرانس را لغو کردند.» یلدا رویا تنها کسی نیست که از برخورد سلیقه‌ای و تبعیض قومی در اداره مستقل ارگان‌های محلی شکایت دارد. یاسر حسن، از کارمندان دیگر این اداره نیز شاکي است. او می‌گوید، بعد از این‌که آقای کنوازی به حیث رییس این اداره منصوب شد، در قبال برخی از کارمندان برخورد «عقده‌مندانه» صورت گرفت. به گفته او، اولین تغییراتی که در این اداره وارد شد، برکناری کسانی بود که بیش‌تر سند ماستری و دکترا و تجربه کافی کار در این اداره را داشتند. حسن گفت که به



عبدالاحمد حسینی

جای این افراد، اشخاص کم‌تجربه و کسانی که سطح تحصیلی‌شان پایین است، جایگزین شده‌اند.

علاوه بر این، حسن افزود که مسوولان این اداره با استفاده از اصل تغییر و تبدیل، تغییرات فاحش را در این اداره آورده‌اند. او گفت که در قانون کار از این اصل یاد نشده، بلکه به جای آن بر مصونیت شغلی تأکید شده است.

به همین ترتیب آمنه امید، کارمند مستعفی ریاست اطلاعات و آگاهی عامه اداره مستقل ارگان‌های محلی، نیز از برخورد تبعیض‌آمیز مسوولان این اداره شکایت دارد. او نیز می‌گوید، زمانی که شمیم‌خان کنوازی به حیث رییس این اداره منصوب شد، ریيسان برخی از بخش‌ها جدید شدند و با آمدن ریيسان جدید، کارمندان مورد تبعیض قرار گرفتند. بانو امید گفت، زمانی که رییس‌شان تبدیل شده و نرگس مومند به عنوان رییس جدیدش آغاز به کار کرده، شماری از کارمندانش را تغییر، تبدیل یا هم حذف کرده است. طبق گفته‌های او، بانو مومند صلاحیت‌های کاری‌اش را محدود کرده و این سبب شده تا وی استعفا دهد. او گفت: «در تمامی سطوح همین روال جریان داشت. یک تعداد برآمدند. هرکسی را مجبور می‌کند یا استعفا دهد یا هم تحقیر و توهین شود.»

اداره مستقل ارگان‌های محلی اما این ادعاها را رد می‌کند. نرگس مومند، سخنگوی این اداره، به روزنامه ۸صبح گفت که تغییر و تبدیل در تمامی ادارات یک اصل است و کارمندان نیز باید با پیشانی باز این تغییرات را بپذیرند. او گفت که اداره مستقل ارگان‌های محلی در پی یک‌سان‌سازی قومی نیست. به گفته او این اداره تنها اداره‌ای است که ترکیب قومی را در نظر گرفته و کارمندانش از گوینده‌گان همه زبان‌ها است. بانو مومند افزود که کارمندان این اداره از بالاترین رتبه تا پایین‌تر رتبه آن از اقوام تاجیک، اوزبیک و هزاره شامل‌اند.

ادعاهای تبعیض قومی و برخورد سلیقه‌ای علیه شمیم‌خان کنوازی در حالی مطرح شده است که پیش از این نیز شماری از کارمندان اداره مستقل ارگان‌های محلی از این روند شکایت داشتند. کارمندان و ریيسان سابق این اداره چندی قبل به روزنامه ۸صبح گفته بودند که شمیم‌خان کنوازی در پی تصفیه قومی است و کارمندان این اداره را از یک قوم و از زون مشرقی استخدام می‌کند.

منازعه کشمیر و تأثیرات آن بالای افغانستان

◆ احمد فیصل آستانه‌یی

بخش اول

در پایان جنگ جهانی دوم، رهایی شبه‌قاره هند از قید استعمار گریز ناپذیر بود. بریتانیا بعد از دو جنگ بزرگ بین‌المللی از تن دادن به یک نبرد دیگر بی‌زاری می‌جست و خزانه آن به تهی رسیده بود. هند استعماری دیگر تخم طلایی بریتانیای کبیر نبود؛ چون روز تا روز مردم این سرزمین در برابر استعمار مقاومت می‌کردند. بریتانیا به لحاظ داخلی علاقه خود را به کنترل هند نیز از دست داده بود و در عین حال، ایالات متحده امریکا در کنار جامعه جهانی به پایان استعمار بریتانیا در آنجا پافشاری داشت. در هندوستان هم ناآرامی‌ها از جمله جنبش‌های گوناگون نافرمانی مدنی افزایش یافته بود. از آغاز سال ۱۹۴۶ میلادی در میان قوای مسلح هند هم تمرّد نیروها به چشم می‌خورد. در نتیجه، بریتانیا که در اوایل ۱۹۴۷ میلادی قبول شرایط جدید را ناگزیر می‌دانست، اعلام کرد که تا ماه جون ۱۹۴۸ میلادی قدرت را به خود هندی‌ها واگذار می‌کند. در پایان، بریتانیا با سرعت بخشیدن به روند استعمار زدایی، اعلام کرد که به تاریخ ۱۴ و ۱۵ اگست سال ۱۹۴۷ میلادی به ترتیب دو دولت مستقل پاکستان و هند پا به عرصه وجود خواهند گذاشت. برنامه بریتانیا برای استقلال دو کشور به سرعت تنظیم و به شکل معیوب عملی شد. جمعیت مناطق سرحدی با پیش‌بینی تجزیه شبه‌قاره، شبه‌نظامیان خود را برای راه‌اندازی خشونت به هدف پاک‌سازی اقلیت‌ها بسیج کردند. خشونت در حالی ادامه داشت که میلیون‌ها نفر خود را با زنده‌گی در سرزمین جدید عیار می‌ساختند. در این روند، مسلمانان از سوی سیک‌ها و هندوها مورد حمله قرار گرفتند و مسلمانان، هندوها و سیک‌ها را در مناطق خود هدف گرفتند. خشونت‌ها به لحاظ حجم و ماهیت خود بی‌سابقه بود و شامل قتل‌های وحشیانه، تجاوزهای جنسی، آدم‌ربایی، سلاخی اجساد و سایر اعمال وحشتناک می‌شد. بریتانیا

به لحاظ فیزیکی جدا افتاده از سایر بخش‌های شبه‌قاره سابق، در مقایسه با هند از منابع کم‌تری برای مقابله با مشکلات پیش آمده برخوردار بود. علاوه بر آن، پاکستان از چندین جهت از تقسیم اراضی شدیداً ناراضی بود و این عدم رضایت تا هنوز هم ادامه دارد. پاکستان باور دارد که مسلمانان در پنجاب و هم‌چنان کشمیر محروم مانده‌اند، از این‌رو، تجزیه شبه‌قاره تا هنوز هم یک کار ناتمام است. (کرول کریستین فییر، ۱۳۹۶: ۵۸)

تقسیمات اراضی بین دو کشور جدید (هند و پاکستان)

در سال ۱۹۴۷ میلادی، بریتانیا فرمان هند مستقل را صادر کرد و ایجاد دو منطقه مستقل، یکی هند و دیگری پاکستان را اعلام داشت. در این فرمان تذکر یافته بود که سرزمین‌های متعلق به هند که بخشی از هند بریتانیایی بود، فوراً قبل از تاریخ معینه تحت حاکمیت پادشاهی بریتانیا قرار گیرد و در بخش فرعی شماره ۲ این بخش قید شده است، به پاکستان تعلق می‌گیرد. براساس این فرمان، سرزمین‌های پاکستان متشکل از ولایت‌های بنگال شرقی و پنجاب غربی و هم‌چنان اراضی ولایات سند و بلوچستان و ولایت‌های سرحدی شمال غربی بود که برای آن همه پرسی برگزار می‌شد. در زمان تجزیه، شبه‌قاره جنوب آسیا متشکل از دو قلمرو بود: قلمروه تحت کنترل بریتانیا و ۵۶۰ ایالت شهزاده نشین و نواب نشین که تحت کنترل راجه‌های هندی قرار داشت. روی هم رفته، مجموع راجه نشین‌ها و نواب نشین‌ها ۴۱ درصد سرزمین‌های هند بریتانیایی را تشکیل می‌داد که به لحاظ مساحت از اهمیت زیادی برخوردار بود. در حالی که ایالت‌های کشمیر و حیدرآباد به اندازه بزرگ‌ترین کشورهای اروپایی مساحت داشت، اما بخش‌هایی نیز در حد تیول‌های فئودالی که بیش‌تر

از ۱۲ قریه را احتوا نمی‌کردند، بود. در حالی که راجه‌ها و نواب‌ها تقریباً در امور داخلی خود مستقل بودند، ولی تفوق امپراتوری بریتانیا را به رسمیت شناخته بودند. زمانی که بریتانیا شهزاده نشین‌ها را به پیوستن به فدراسیون هندوستان تشویق کرد، آن‌ها میلی به الحاق نشان ندادند و در عوض به جای وارد شدن به محیط پر جنجال و کشمکش سیاست ایالتی، تابعیت از سلطنت بریتانیا را برگزیدند. در حالی که هند روز تا روز به سوی کسب استقلال خود نزدیک می‌شد، لرد مونت بتن، حکمران عمومی هند بریتانوی، به اصرار رهبری کنگرس، راجه‌ها و نواب‌های محلی را تشویق کرد که به هند و یا پاکستان بپیوندند و فکر استقلال در ذهن‌شان خطور نکند. مونت بتن به آن‌ها توصیه کرد که به هر یک از دو دولت جدیدی که به لحاظ جغرافیایی به آن نزدیک هستند، ملحق شوند و با لحن هشدارآمیزی به امیر نشین‌ها گفت که نه از حوزه نفوذ و اقتدار حکومتی که در جوار شما قرار دارد، فرار می‌توانید و نه از زیر بار مسولیت رفاه و بهبودی رعایای خویش شانه خالی می‌توانید. راجه‌ها و نواب‌ها دریافتند که با الحاق به هر یک از دو دولت، صلاحیت خود را نسبت به مسایل دفاعی و خارجی دولت از دست می‌دهند. در عین حال، لرد مونت بتن، یادآوری کرد که آن‌ها نه به سلاح مدرن دسترسی پیدا کرده می‌توانند و نه منابعی را برای فرستادن نماینده به نزد دولت‌های خارجی در اختیار دارند. تمام امیر نشین‌ها الی اگست همان سال موافقت خود را برای پیوستن به یکی از دو دولت جدید، براساس شرایط مشابهی که قبلاً به رد آن پرداخته بودند، اعلام داشتند. با این حال، سرنوشت سه امیر نشین هم‌چنان مشکل‌زا باقی ماند: جوناگند، حیدرآباد و کشمیر. (کرول کریستین فییر، ۱۳۹۶: ۶۴-۶۵)

ادامه در صفحه ۹

منازعه کشمیر و ...

از جمله سه ایالت جنجالی، کشمیر در طول سال‌های گذشته همواره منبع چالش بوده است. منازعه میان هند و پاکستان و گروه‌های مختلف کشمیری، برای به دست آوردن این ایالت تا هنوز ادامه دارد. ایالت کشمیر به لحاظ وسعت حتا بزرگ‌تر از حیدرآباد است. این ایالت علاوه بر وسعت، به دلیل چهار میلیون جمعیت نامتجانس و پراکنده‌اش نیز برجسته بود. کشمیر پنج منطقه اصلی داشت. جامو، در مجاورت پنجاب، قبل از تجزیه شبه‌قاره هند جمعیت اکثراً مسلمان داشت که در اثر افتادن موج وحشت ناشی از تجزیه، بسیاری از مسلمانان آنجا فرار کردند که در نتیجه هندوها تبدیل به جمعیت غالب در این منطقه شدند. دومین بخش بزرگ کشمیر، به اصطلاح دره کشمیر بود. جمعیت غالب در این منطقه بر خلاف جامو، مسلمانان به لحاظ جمعیتی در این منطقه اکثریت را به دست داشتند. در شرق این دره، لداخ که با تبت هم‌مرز است و هنوز هم جمعیت اصلی آن بودایی‌ها هستند. در شرق آن، اراضی مربوط به گلگت و بلتستان قرار دارد. در حالی که جمعیت اصلی گلگت و بلتستان را مسلمانان تشکیل می‌دادند، اما باشنده‌گان آن عمدتاً شیعیان اسماعیلی، نه سنی مذهب‌ان حاکم بر این دره بودند. این مناطق وسیع تحت حاکمیت مستقل قبیله‌ای به‌نام دوگرا راجپوت در میانه قرن نوزدهم قرار داشت. آنچه که بعداً به (جامو و کشمیر) مسما شد، با تبت، منطقه سین‌کیانگ چین و افغانستان مرزهای مشترک دارد. (کرول کریستین فیپر، ۱۳۹۶: ۶۶)

حاکم کشمیر در زمان تجزیه، مهاراجه هاری سینگ بود. او که در آن زمان از حزب کانگرس نفرت داشت و از احتمال اصلاحات ارضی حکومت جواهر لعل نهرو می‌ترسید، به خوبی می‌دانست که آینده‌اش به عنوان یک هندو در درون یک دولت اسلامی چه خواهد بود. او نیز مانند نظام الملک حیدرآباد، خواهان استقلال کشمیر بود. در واقعیت امر، لرد مونت بتن، حکمران هند بریتانوی در زمانی که هنوز سرنوشت الحاق کشمیر روشن نبود، به مهاراجه توصیه کرد که از شتاب‌زده‌گی پرهیز کند و در عوض قبل از هر اقدامی خواسته‌های مردم را که از طیف‌های مختلف تشکیل شده بودند، در نظر بگیرد و براساس آن عمل کند. «محمدعلی جناح با اعتقاد به محدود نکردن گزینه‌ها و با روی‌کرد محتاطانه‌اش و با در نظرداشت پرهیز از برهم خوردن توازن ظریف در موضوع پیوستن تعدادی از ایالت‌های کلیدی به یکی از دو دولت که هنوز هم گزینه‌های خود را سبک و سنگین می‌کردند، توافق‌نامه تداوم وضع مسلط را با مهاراجه کشمیر به امضا رساند. عدم قاطعیت سینگ، اضطراب رهبران سیاسی هند را دامن زد؛ چون می‌ترسیدند که به هر اندازه او تصمیم خود را روشن نسازد، به همان اندازه شاید به سوی اعلام خود مختاری تمایل پیدا کند و یا بدتر از آن به نیروهای پاکستانی اجازه ورود به این ایالت را بدهد. وضع کشمیر به‌زودی باعث ایجاد بحران‌های دیگری نیز شد که تصمیم‌گیری را برای مهاراجه پیچیده‌تر ساخت. پس از جنگ جهانی دوم ۶۰ هزار سرباز سابق از منطقه پونچ در غرب جامو از جبهات برگشتند و دریافتند که دیگر بخشی از رعایای مهاراجه‌ی پونچ نه، بلکه مهاراجه کشمیر اند. در حالی که مهاراجه قبلی حاکم مهربانی بود، ولی مهاراجه کشمیر مالیات مختلف را بر مردم تحمیل کرد. پونچی‌ها که عمدتاً مسلمان بودند، از این کار حاکم جدید خوش‌شان نیامد و در عین حال از افتادن خشونت‌های عمومی علیه مسلمانان در پنجاب و سایر نقاط هند خشمگین بودند. در اگست ۱۹۴۷ میلادی، مردم پونچ نشست عمومی را برگزار کردند که در آن خواستار پیوستن به پاکستان شدند. در مقابل، مهاراجه هاری سینگ نیروهای

مسلح خود را که متعلق به قبیله هندو مذهب دوگرا بود، به مجلس عمومی فرستاد و روی اشتراک کننده‌گان آتش گشود. پس از این رویداد، شورشی اتفاق افتاد که در پی آن بسیاری از پونچی‌ها به پاکستان فرار کردند. یکی از آن‌ها یک وکیل و عضو مجلس ایالتی به‌نام سردار محمد ابراهیم خان بود. در پاکستان او را دگروال اکبر خان، از ارتش پاکستان ملاقات کرد و خواستار کمک برای نجات کشمیر شد. اکبر خان، مسوول تجهیزات و تسلیحات در مقر فرماندهی ارتش در راولپندی بود. با این‌که پاکستان به سختی سلاح اضافی داشت، اما او سلاح را به طور مخفیانه در اختیار گروه رو به افزایش مردانی قرار داد که آماده جنگ برای آزادی کشمیر بودند. اکبر خان نمی‌توانست، برای اجرای طرحش از رییس ستاد ارتش پاکستان (سر فرانک میسروی، جنرال بریتانیایی) استمداد جوید؛ چون می‌ترسید که او موضوع را با رییس ستاد ارتش هندوستان، سر رابرت مک گرگور مک دونالد لاکهارت و یا فیلد مارشال سر کلود جان ایر اوچین لک، قوماندان اعلاى تمام قوای بریتانیایی در هند از زمان تجزیه الی سال ۱۹۴۸ میلادی در میان بگذارد. ارتش پاکستان از کمبود شدید افسران پاکستانی رنج می‌برد و به همین دلیل بر افسران بریتانیایی متکی بود. اکبر خان در آغاز به طور مخفی برای عملی ساختن برنامه‌اش کار کرد. او بعد از پیدا کردن راهی برای مسلح کردن جنگ‌جویان، شروع به سازمان‌دهی مردان مذکور کرد. از آنجایی که او نمی‌توانست نیروهای ارتش پاکستان را بدون مجوز رسمی رییس ستاد ارتش به خدمت گیرد، دست به گماشتن افراد سابق نظامی که قبلاً در ارتش هند خدمت می‌کردند و پس از ختم وظیفه دوباره به کار گماشته نشده بودند، زد. خبر برنامه اکبر خان در نهایت به گوش لیاقت علی خان، نخست‌وزیر و سردار شوکت حیات خان، یکی از وزیران حکومت پنجاب رسید؛ اما آنان نیز کمال احتیاط را به کار بردند تا موضوع به گوش میسروی نرسد و او در بی‌خبری کامل باقی بماند. با این حال، طوری که انتظار می‌رفت برنامه عملیاتی به درستی ریخته نشد، رهبری ارتش و هم‌چنان خود محمدعلی جناح به طور رسمی در جریان عملیات قرار نگرفتند. (کرول کریستین فیپر، ۱۳۹۶: ۶۸)

ارتش پاکستان تا اکتوبر ۱۹۴۷ میلادی به این نتیجه رسید که عدم تمایل مهاراجه برای پیوستن به پاکستان، کشمیر را در یک وضعیت حساس قرار داده است. با وجود این، روشن نبود که آیا جنرالان ستاد فرمان‌دهی ارتش پاکستان که در منطقه خیلی دورتر از کراچی، پایتخت پاکستان مشغول کار بودند، استراتژی خیلی کارایی برای این منطقه روی دست دارند، یا خیر. با تمام این، نخست‌وزیر پاکستان، افسران بریتانیایی ارتش، از جمله رییس ستاد ارتش را در بی‌خبری مطلق قرار داد. علی‌رغم کمبودات بسیار در این روی‌کرد، نخست‌وزیر در نهایت برنامه عملیات کشمیر را تأیید کرد. تحت فرماندهی دگروال اکبر خان (با نام مستعار جنرال طارق) و خورشید انوار فرمانده گارد ملی مسلم لیگ با همکاری خان عبدالقیوم خان، وزیر اعلاى ولایت سرحدی شمال غربی که اصلاً زاده کشمیر بود، ۲۰۰۰ جنگ‌جوی قبایلی از ولایت سرحدی شمال غربی و مناطق قبایلی جمع‌آوری و سازمان‌دهی شدند. آن‌ها در ۱۲۳ اکتوبر همان سال، از طریق وادی جهلم وارد کشمیر شدند. شب آن روز، نهرو به مونت بتن حکمران عمومی هند بریتانوی اطلاع داد که جنگ‌جویان قبایلی توسط ترانسپورت نظامی وارد کشمیر شدند. با ورود جنگ‌جویان مذکور، مهاراجه از هند درخواست کمک کرد. هندوستان کمک‌های خود را مشروط به پیوستن کشمیر به هند ساخت. هاری

در سال ۱۹۴۷ میلادی، بریتانیا فرمان هند مستقل را صادر کرد و ایجاد دو منطقه مستقل، یکی هند و دیگری پاکستان را اعلام داشت. در این فرمان تذکر یافته بود که سرزمین‌های متعلق به هند که بخشی از هند بریتانیایی بود، فوراً قبل از تاریخ معینه تحت حاکمیت پادشاهی بریتانیا قرار گیرد و در بخش فرعی شماره ۲ این بخش قید شده است، به پاکستان تعلق می‌گیرد. بر اساس این فرمان، سرزمین‌های پاکستان متشکل از ولایت‌های بنگال شرقی و پنجاب غربی و هم‌چنان اراضی ولایات سند و بلوچستان و ولایت‌های سرحدی شمال غربی بود که برای آن همه پرسی برگزار می‌شد. در زمان تجزیه، شبه‌قاره جنوب آسیا متشکل از دو قلمرو بود: قلمروه تحت کنترل بریتانیا و ۵۶۰ ایالت شهزاده نشین و نواب نشین که تحت کنترل راجه‌های هندی قرار داشت.

سینگ سند الحاق را در ۲۶ اکتوبر به امضا رساند و به دنبال آن نیروهای هندی وارد سرینگر شدند. پس از ورود نیروهای هندی به سرینگر، جناح نیز به جنرال دوگلاس گرسی (سرپرست ستاد ارتش در غیبت میسروی) دستور حمله ارتش پاکستان را به کشمیر داد. جنرال گرسی از دستور جناح اطاعت نکرد و گفت که منتظر مجوز اوچین لک، فرمانده عمومی باید بود. اوچین لک هم به نوبه خود در مورد از دست رفتن افسران بریتانیایی ارتش پاکستان در این نبرد ملاحظه شدید خود را داشت. او دستور خودداری از عملیات را به تمام افسران بریتانیایی در ارتش هند و پاکستان صادر کرد. ارتش پاکستان تا ماه مارچ همان سال کاملاً برای نبرد آماده شده بود و دو طرف برای یک سال درگیر جنگ محدود بودند، تا این‌که جواهر لعل نهرو برای حل منازعه به سازمان ملل متحد مراجعه کرد. سازمان ملل نیز پس از گفت‌وگوهای ممتد، توانست در ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی آتش‌بس را میان دو طرف بر قرار کند. شرایط آتش‌بس ایجاب می‌کرد که پاکستان تمام نیروهای رسمی و غیررسمی خود را از کشمیر بیرون کند و در عین حال به هند اجازه حضور نیروهای محدود دفاعی را می‌داد. در صورت تحقق شرایط آتش‌بس، آینده کشمیر توسط یک همه پرسی تعیین می‌شد؛ اما در عمل پاکستان هرگز نیروهای خود را از کشمیر بیرون نکرد و همه پرسی نیز هرگز اتفاق نیفتاد. در اثر آتش‌بس، سه پنجم کشمیر تحت کنترل هند قرار گرفت؛ اما مسوولیت توازن وضعیت به دوش پاکستان افتاد. (کرول کریستین فیپر، ۱۳۹۶: ۶۹)

نگرانی پاکستانی‌ها در مورد وضعیت کشمیر به طور فزاینده‌ای تشدید شد. آن‌ها به یک درک توطئه‌آمیز می‌خواستند، بدانند که خروج بریتانیا چگونه روی شکل‌گیری دو دولت جدید هند و پاکستان اثر خواهد داشت. فرمان استقلال هندوستان دستور ایجاد دو کمیسیون برای تقسیم ایالت شمالی پنجاب و دیگری برای تقسیم ایالت شرقی بنگال را داد. جناح و نهرو پذیرفتند تا نتیجه کمیسیون‌های فوق را بپذیرند. طوری که هر دو وعده سپرده بودند تا نتیجه را بپذیرند، هم‌چنان ملاحظات خود را نیز در قبال تصمیم کمیسیون‌های فوق داشتند. هندوستان باور داشت که باید برخی از مناطقی را که به پاکستان شرقی واگذار شد، باید به دست می‌آورد. پاکستان هم از این تقسیم راضی نبود و به تصمیمات کمیسیون به دیده توطئه می‌نگریست، به خصوص که چندین ناحیه مانند (گورداسپور، اجناله، نکودر، جلندر، فیروزپور و زیرا) یک واحد بزرگ زیر مجموعه اداری یک ناحیه با جمعیت عمدتاً مسلمان در پنجاب و هم‌چنان ناحیه قصور به هند واگذار شد. برعکس، هیچ واحد غیرمسلمان

نشین، مثلاً با جمعیت هندو و سیک به پاکستان تعلق نگرفت. به همین دلیل، پاکستانی که بعد از تقسیم شبه‌قاره هند در سال ۱۹۴۷ میلادی به وجود آمد، کشوری نبود که جناح در ذهن خود داشت. به باور رهبران پاکستان، بن‌بست نوظهور کشمیر، ضربه دیگری به امیدهای‌شان به حساب می‌آمد که بدون شک، ربط مستقیمی به نحوه تقسیم پنجاب از سوی کمیسیون‌های نامبرده داشت. برای پاکستان از دست رفتن گورداسپور ضربه بزرگی به حساب می‌آمد و به آن، فراتر از دادن اراضی بیش‌تر به هند می‌دید. این تصمیم نه تنها کشمیر را با هند مرتبط ساخت، بلکه برای این کشور زمینه اشغال این ایالت را در سطح وسیع فراهم ساخت. (کرول کریستین فیپر، ۱۳۹۶: ۷۱)

به این ملحوظ، پاکستان با نارضایتی از تقسیمات اراضی و به دست آوردن منابع، هند را منحنیث دشمن دایمی خود در منطقه تثبیت کرده است. در چهار دوره جنگ پاکستان با هند، در سال‌های ۱۹۴۷، ۱۹۶۵، ۱۹۷۱ که باعث جدایی بنگلادش از بدنه پاکستان شد و ۱۹۹۹ میلادی، همواره پاکستان دست داشتن نیروهای نظامی این کشور را در جنگ‌های فوق تکذیب و آن را حرکت‌های مردمی و آزادی‌خواهی مردمان کشمیر عنوان کرده است؛ اما برعکس موضوع، نیروهای ارتش این کشور در لباس آزادی‌خواهی در کشمیر دست به تحرکات نظامی زده‌اند.

به مرور زمان، نظامیان پاکستانی به طور ماهرانه از عنصر بازدارنده‌گی هسته‌ای برای گسترش دامنه عملیات بازی‌گران غیردولتی به نیابت از خود این دولت، استفاده کرده‌اند؛ زیرا پاکستان اطمینان داشته است که تسلیحات هسته‌ای‌اش سپری در برابر ضد حملات هند و واکنش‌های بین‌المللی خواهد بود.

پاکستان که از زمان تأسیس به دنبال یک هویت جدید بود، تا بتواند یک ملت واحد را به میان آورد و در مقابل هند تبارز نماید، دفاع از مرزهای ایدیولوژی اسلام در مقابل کفر و الحاد، به ویژه هندویسم بهترین گزینه‌ای بود که از آن پاکستان استفاده به عمل آورد و خود را مدافع جهان اسلام نام نهاد. از سال ۱۹۴۷ میلادی به این سو، پاکستان از بازی‌گران غیردولتی برای جنگ‌های نیابتی و راهاندازی عملیات تروریستی در هند و افغانستان زیر نام نبردهای مردمی، جنگ‌های چریکی و یا جهاد بهره گرفته که با سرازیر شدن پول‌های هنگفت و مقادیر زیاد اسلحه و تجهیزات از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر کشورها به همراه بوده است.

برخی از اعتقادات پاکستان در مورد فضای استراتژیک و ابزار کنترل آن، میراث بریتانیای استعماری است. مدیریت مناطق سرحدی با افغانستان، اهمیت دادن به نژادهای جنگاور و استفاده ابزاری از مذاهب و تفاوت‌های قومی که اعتقادات فوق در نتیجه بهره‌گیری پاکستان از این ابزار، قوی‌تر و ریشه‌دارتر شده است.

حکومت پاکستان با درک این موضوع که از طریق جنگ‌های متعارف نمی‌تواند، هند را به شکست مواجه سازد و از قدرتمند شدن روزافزون آن در منطقه جلوگیری کند، بنابراین به صورت گسترده از جنگ‌های نامتعارف بهره جسته است. این کشور با استفاده از گروه‌های نیابتی همواره کوشش کرده است تا توازن قدرت را در منطقه به نفع خود عیار سازد و نفوذ هند را کاهش دهد.

پاکستان از مناطق قبیایلی این کشور با افغانستان

به صورت فزاینده‌ای در سربازگیری و اهداف نیابتی

خود سود جویی می‌کند. این کشور با دور نگه

داشتن این مناطق از خدمات اولیه و ابتدایی، مانند

مکتب، شفاخانه، سرک و غیره، زمینه بسیج‌سازی

آن‌ها را در قالب گروه‌های تروریستی در کشمیر و

افغانستان مهیا می‌کند.

ادامه دارد...

دبیر بخش ویدیو: خبرنگاران:

ویراستاران: صفحه آرایی: پذیرش اعلان: نشانی پستی: نشانی دفتر کابل: ۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

سناجر سهیل
محبب مهرداد
خلیل اسیر
8am.daily@gmail.com

صاحب امتیاز: مدیرمسوول: سردبیر: دبیر گزارش‌ها: دبیر بخش خبر: دبیر بخش صلح: دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

فراخوان معترضان در میانمار به اعتصاب عمومی علیه کودتا

که مرگ دو نفر آن‌ها روز شنبه در شهر ماندالی رقم خورد. اما این اتفاق مانع معترضان نشد که روز یک‌شنبه به خیابان‌ها بیایند، به طوری که یانگون، بزرگ‌ترین شهر میانمار، در این روز صحنه اعتراضاتی با حضور ده‌ها هزار نفر بود.

ام‌آرتی‌وی، تلویزیون دولتی میانمار، نسبت به انجام اعتراضات در روز دوشنبه هشدار داد و اعلام کرد: «معترضان می‌خواهند مردم را تحریک کنند و به ویژه به احساسات نوجوانان و جوانان متوسل شوند که به تقابل [با نیروهای امنیتی] روی بیاورند، امری که به بهای جان آن‌ها تمام می‌شود.»

بسیاری از کشورهای غربی کودتا در میانمار را محکوم کرده‌اند، از جمله ایالات متحده، بریتانیا و آلمان. شامگاه یک‌شنبه هم‌چنین وزیر خارجه ایالات متحده به حکومت نظامی میانمار در رابطه با اقدامات خشونت‌آمیز علیه معترضان هشدار داد.

آنتونی بلینکن در توییت نوشت که واشنگتن هم‌چنان در کنار مردم میانمار که خواستار بازگشت دولت منتخب دموکراتیک خود هستند، می‌ایستد.

حکومت نظامی وقت ترتیب داد؛ اعتراضاتی که به خاک و خون کشیده شد.

سرکوب معترضان این بار کم‌تر از آن زمان خونین بوده، اما با این حال دست‌کم سه نفر کشته شده‌اند



مخالفان کودتای نظامی در میانمار روز دوشنبه، چهارم حوت، فراخوانی برای اعتصابات عمومی و ادامه اعتراضات خیابانی صادر کردند، در حالی که مقام‌های این کشور در پی کشته شدن دو تن از معترضان در روز شنبه هشدار داده‌اند که این تقابل‌ها به بهای جان افراد بیش‌تری تمام خواهد شد.

جنرال‌های میانمار علی‌رغم استقرار نیروهای بیش‌تر در خیابان‌ها و وعده برگزاری انتخابات، هنوز نتوانسته‌اند اعتراضات روزانه و جنبش نافرمانی مدنی علیه کودتا را متوقف کنند.

کودتای نظامیان در میانمار به بازداشت آنگ‌سان سوچی، رهبر این کشور و سرنگونی دولت منتخب مردم، انجامیده است.

رادیو فردا به نقل از خبرگزاری رویترز می‌نویسد، در کشوری که مردم خیلی به خوش‌یمنی و بدیمنی روزها اعتقاد دارند، برای معترضان روز ۲۲.۲.۲۰۲۱ (مصادف با چهارم حوت) معنای خاصی دارد و آن‌ها این روز را با ۸۸.۱۹۸۸ مقایسه می‌کنند که نسل گذشته در آن روز اعتراضات گسترده‌ای را علیه



سفر ایتالیا در کنگو کشته شد

وزارت خارجه ایتالیا خبر می‌دهد که روز دوشنبه، ۴ حوت، سفیر ایتالیا در حمله‌ای که در شرق جمهوری دموکراتیک کنگو بر کاروان سازمان ملل صورت گرفته، جان داده است.

به نقل از رادیو فردا و به گزارش خبرگزاری رویترز، حمله‌کننده‌گان که قصد به گروگان گرفتن افراد این کاروان را داشتند، بامداد دوشنبه در ولسوالی گوما در جمهوری دموکراتیک کنگو این حمله را انجام داده‌اند.

در این حمله لوکا آتاناسیو، سفیر ۴۳ ساله ایتالیا، به همراه محافظ و راننده خود به قتل رسیده است.

بنا بر گزارش‌ها، حمله‌کننده‌گان پس از متوقف کردن کاروان و کشتن راننده سفیر، قصد همراه بردن او با خود را داشتند که با شلیک جنگل‌بانان منطقه مواجه می‌شوند. آن‌ها سپس محافظ سفیر را نیز به قتل می‌رسانند و در ادامه درگیری‌ها خود سفیر نیز کشته می‌شود.

مقام‌های جمهوری دموکراتیک کنگو هنوز موفق به شناسایی گروه حمله‌کننده نشده‌اند و هیچ گروهی نیز هنوز مسؤلیت این اقدام را برعهده نگرفته است. در این منطقه که در ناحیه مرزی کنگو با رواندا و اوگاندا قرار دارد، بیش از ۱۰ گروه مسلح فعال‌اند.

حمله روز دوشنبه در همان روستایی صورت گرفته است که در سال ۲۰۱۸ دو گردشگر بریتانیایی توسط افراد مسلح به مدت کوتاهی گروگان گرفته شدند. پارک جنگلی این منطقه پس از آن حادثه به مدت ۹ ماه تعطیل بود.

مسکو درباره تشدید تحریم‌ها علیه این کشور هشدار داد

به گزارش دویچه‌وله فارسی، ولادیمیر چیزوف، سفیر روسیه در اتحادیه اروپا، درباره پیامدهای ناشی از تشدید تحریم‌ها علیه آن کشور هشدار داد. محاکمه آلکسی ناوالنی، منتقد پوتین، منجر به افزایش تنش سیاسی در مناسبات اتحادیه اروپا با روسیه شده است.

روزنامه آلمانی دی ولت مصاحبه‌ای با ولادیمیر چیزوف، سفیر دائمی روسیه در اتحادیه اروپا داشته است. سفیر روسیه در اتحادیه اروپا گفته است که تمایلی به گمانه‌زنی درباره افزایش دامنه تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه آن کشور ندارد. او در عین حال تاکید کرده است که تحریم‌های پیش‌بینی شده از سوی اتحادیه اروپا طی سالیان گذشته به مناسبات کشورهای عضو این اتحادیه و روسیه آسیب رسانده است.

چیزوف تاکید کرده است که روسیه «شریک قابل اعتمادی» برای اتحادیه اروپا است و برخلاف راهکار کشورهای عضو این اتحادیه، روسیه تا کنون با خویشتن‌داری نسبت به تحریم‌ها برخورد کرده است.

اتحادیه اروپا بر آن است تا برای نخستین بار از قانون جدید تحریم‌های مرتبط با نقض حقوق بشر علیه روسیه بهره گیرد.

سفیر روسیه در اتحادیه اروپا به کشورهای عضو این اتحادیه درباره گسترش تحریم‌ها هشدار داده و گفته است که روسیه برای مقابله با چنین اقداماتی آماده‌گی دارد.

پس از بازداشت و محکومیت آلکسی ناوالنی، منتقد پوتین و برخورد خشن نیروهای انتظامی با شرکت‌کننده‌گان اعتراضات در روسیه، تنش در مناسبات بین اتحادیه اروپا با روسیه افزایش یافته است.

تهران و سئول بر سر آزادسازی بخشی از پول‌های مسدود شده ایران توافق کردند

داد.

در همین زمینه ایران در ۴ جنوری، یک نفت‌کش کوریایی را در خلیج فارس توقیف کرده است. با وجود مذاکرات گسترده‌ای که میان دو طرف برای آزادی این کشتی انجام شده، تهران هنوز حاضر نشده اجازه خروج این نفت‌کش را از ایران صادر کند.

به گفته رسانه‌های کوریایی مجموع پول‌های مسدود شده ایران در کوریای جنوبی بالغ بر ۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دالر است که سئول می‌گوید به دلیل تحریم‌های امریکا قادر به آزادسازی و تحویل آن‌ها نبوده است.

در هفته‌های اخیر گزارش‌هایی در خصوص احتمال کاهش فشارهای امریکا علیه ایران بدون لغو تحریم‌های اساسی منتشر شده بود. بلومبرگ در گزارشی در همین زمینه اشاره کرده بود که دولت جو بایدن، رئیس جمهور امریکا، احتمالاً اجازه خواهد داد تا پول‌های مسدود شده ایران در کوریای جنوبی آزاد شود.

رافایل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سفر خود به تهران را رضایت‌بخش خواند و از حصول توافقی سه ماهه میان ایران و آژانس خبر داد.

آقای گروسی پس از بازگشت از تهران و در فرودگاه وین با اشاره به این‌که از روز سه‌شنبه بازرسی‌ها محدودتر خواهد شد، گفت: «در عین حال ما امکان این را خواهیم داشت که نظارت و راستی‌آزمایی را بر برنامه هسته‌ای ایران داشته باشیم.»

حالا خبرگزاری‌های دولتی ایران به نقل از بانک مرکزی این کشور اعلام کرده‌اند که کوریای جنوبی پذیرفته در خصوص نحوه جابه‌جایی و مصرف بخشی از منابع بانکی ایران در این کشور با تهران همکاری کند.

آقای همتی در این دیدار ضمن استقبال از آن‌چه او «تغییر رویکرد کوریا در قبال ایران» خوانده اشاره کرد که تهران به تلاش‌های قانونی خود برای دریافت خسارت از سئول به دلیل عدم همکاری بانک‌های کوریایی در سال‌های اخیر ادامه خواهد

رسانه‌های ایران روز دوشنبه، ۴ حوت، خبر دادند که عبدالناصر همتی، رییس کل بانک مرکزی ایران، در دیدار با سفیر کوریای جنوبی در تهران در خصوص آزادسازی بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران در کوریای جنوبی به توافق رسیدند. به گزارش یورونیوز و به نقل از خبرگزاری دولتی ایرنا، روز دوشنبه، دیداری در سفارت کوریای جنوبی در تهران انجام شده که در آن ریو جنئونگ هیون، سفیر کوریای جنوبی، اعلام کرده که کشورش آماده است اقدامات لازم برای استفاده از تمامی منابع بانکی ایران در کوریای جنوبی را انجام دهد.

این دیدار تنها ساعاتی پس از آن انجام شد که



برگزاری نمایشگاه تجهیزات نظامی و کالاهای تسلیحاتی در ابوظبی

این در حالی است که دولت بایدن در حال حاضر اقدام به بازبینی در قراردادهای تسلیحاتی دولت پیشین امریکا با کشورهای مختلف کرده است. چین که دومین کشور بزرگ صادرکننده تسلیحات در جهان است، با ارایه یک نمونه واقعی از موشک بالستیک «فایر درگون» در نمایشگاه نظامی ابوظبی حضور یافته است.



فرآورده‌های نفتی عملاً از میزان هزینه‌های نظامی این کشورها کاسته است. به رغم آن، امارات متحده عربی در همان نخستین روز این نمایشگاه اقدام به خرید یک میلیارد و ۳۶۰ میلیون دالر جنگ‌افزار کرد. امارات با کشور آفریقای جنوبی برای خرید پهپاد و هم‌چنین با صربستان برای خرید توپخانه قراردادهایی به امضا رساند.

اسرائیل، به رغم پیمان عادی‌سازی مناسبات دیپلماتیک خود با امارات، در نمایشگاه نظامی ابوظبی حضور فعالی نداشته است. گفته می‌شود این کشور به علت محدودیت‌های کرونایی نتوانسته در این نمایشگاه حضور یابد.

خبرگزاری اسوشیتدپرس در عین حال از ناخشنودی دولت جدید امریکا در ارتباط با فروش جنگنده‌های فوق‌پیش‌رفته اف-۳۵ به امارات خبر داده است. دونالد ترامپ فروش این نوع جنگنده به امارات متحده عربی را تایید کرده بود.

به گزارش دویچه‌وله فارسی، به رغم محدودیت‌های کرونایی تولیدکننده‌گان بزرگ کالاهای تسلیحاتی جهان در نمایشگاه نظامی ابوظبی شرکت کرده‌اند. امارات متحده در همان روز نخست یک میلیارد و ۳۶۰ میلیون دالر جنگ‌افزار برای تقویت توان نظامی خود خریداری کرد.

نمایشگاه نظامی ابوظبی یکی از معدود نمایشگاه‌هایی است که به رغم شیوع ویروس کرونا به شکل حضوری و غیردیجیتال برگزار می‌شود. تولیدکننده‌گان جنگ‌افزار از کشورهای مختلف جهان امیدوارند که از طریق برگزاری این نمایشگاه در امارات بتوانند بر میزان فروش تسلیحات خود در خاورمیانه بیفزایند.

نمایشگاه جنگ‌افزار و کالاهای تسلیحاتی ابوظبی روز گذشته رسماً کارش را آغاز کرد.

پاندمی کرونا و هم‌چنین کاهش درآمدهای ارزی کشورهای خاورمیانه در اثر تنزل صادرات و بهای